

دست دارند و در بعضی جاهای شهر سیم‌کشی کرده و با اجازه خصوصی آمد و رفت ممکن است. تلفون دیگر برای اشخاص غیر نظامی تعطیل است. تنها روزنامه‌ای که امروز به طبع رسیده و منتشر شده روزنامه فرروارتس ارگان سوسیالیست اکثریت (که پارتی این حکومت است) انتشار یافته. روزنامه‌های دیگر تماماً به حال تعطیل می‌باشند. روزنامه‌های انقلابی را هم حکومت فعلی قدغن کرده، ادارات آنها هم در ضبط قشون افتاده است.

نظر اعتصابیون

طبق اطلاعی که روزنامه نامبرده، فرروارتس، داده اعتصابیون دیروز کمیسیونی انتخاب کرده [اند] که به وایمار رفته با حکومت فعلی داخل مذاکره بشوند. خود روزنامه هم اظهار عقیده می‌کند که خوب است طرفین به یک طریقی اصلاح بکنند؛ یک قسمتی از تقاضاهای کارگران را حکومت فعلی قبول کند و قسمتی دیگر را کارگران صرف نظر کنند. در اینکه کارگران هم بی حق نیستند هیچ حرفی نیست. زندگی کارگران به قول این روزنامه بایستی قابل تحمل باشد. انقلابیون به هیچ چیز جز سرنگون کردن حکومت فعلی و برقرار ساختن حکومت بلشویکی در آلمان رضا نیستند. سوسیالیستهای اقلیت هم با نظر انقلابیون متمایل می‌باشند و روز به روز نیروی جدید می‌گیرند.

نطق لوید جرج

لوید جرج در ضمن نطقی اظهار می‌کند که روسیه به واسطه حکومت بلشویکی شیرازه خود را از هم پاشانده [است] و آلمان هم در همان خط سیر می‌کند. انگلیس باید ناجی تمدن امروزی باشد و نباید بگذارد تمدن دنیا از میان برود. معلوم نیست مقصود لوید جرج از این نطق چه باشد.

انگلیس به چه ترتیب ناجی تمدن دنیا خواهد بود. اگر کشتیهای جنگی انگلیس آلمان را پیوسته در محاصره نگه دارند و خوراک و پوشاک و لوازم زندگی به آلمان نرسانند چه قوه‌ای می‌تواند آلمان را از این حالت نجات دهد؟ آتش بلشویکی که در آلمان برافروخته شده یقیناً به سایر ممالک اروپا و بلکه به امریکا سرایت خواهد کرد. روسها امروز در آلمان به تبلیغات پرداخته و میلیونها خرج کرده [اند] که آلمان دارای حکومت بلشویکی بشود. اگر آلمانها حکومت بلشویکی برقرار کنند یقیناً با آن نفوذی که در دنیا دارند دنیای خارج را بی‌اثر خواهند گذاشت.

نظر فرانسه در مورد آلمان

از قرار خبرهای رسیده فرانسویها چندان مایل به تسریع در کار صلح نیستند و مایل می‌باشند این اوضاع آلمان را ادامه دهند و دیگر مایل نیستند به آلمان اغذیه و مواد اولیه ضروری داده شود. حتی می‌گویند اگر انگلیس و امریکا بخواهند، در این موضوع یعنی رساندن مواد غذایی و مواد اولیه به آلمان [اقدام کنند] بایستی به مسئولیت و به خرج خودشان باشد. خوب که بنگریم این تمایل و این نظر که از فرانسویها خبر داده می‌شود خیلی غیرطبیعی نیست. اگر نظر به گذشته بیفکنیم و وقایع سال ۱۸۷۱ میلادی پس از شکست فرانسویها و محاصره پاریس را در نظر آوریم و سختیهایی که در آن موقع به اهالی پاریس وارد آمد و رنجهایی که فرانسویان در محاصره پاریس بر اثر این شکست متحمل شدند چنین نظریات نسبت به حریف دیرینه و امروز خیلی غیرعادی و غیرطبیعی نیست. فرانسویها می‌گویند پولی را که امروز آلمان بتواند برای اغذیه و مواد اولیه خرج کند باید در مقابل خسارتی که به فرانسویها وارد نموده [است] بدهد. این تمایل که از طرف فرانسویها ابراز شده اگر راست باشد شاید ضررش به خود فرانسویها عاید گردد. به خوبی می‌دانیم و تاریخ

نشان می‌دهد که از هر جای اروپا بلکه دنیا، فرانسه به انقلاب نزدیکتر است. شاید اخلاق مردم فرانسه انقلاب‌پسند است. اگر نگاهی به عقب بیفکنیم و تاریخ را ورق بزنیم می‌بینیم چه انقلاباتی در این سرزمین روی داده است، انقلاب کبیر را چه کشوری بر پا کرد. فرانسویها بودند که این انقلاب را به میان آوردند و پرچم آزادی و برابری و برادری را در اروپا برای نخستین بار بر فراز کاخ استبداد برافراشتند. در همان جایی که لویی چهاردهم با آن استبداد و با آن دربار و با آن وسایل سلطنت می‌نمود حکومت جمهوری و دموکراسی ایجاد کردند. ولی از همین عملیات [به طور] عکس‌العمل امپراتوری ناپلئون بناپارت یعنی امپراتوری اول فرانسه ایجاد گردید و چه خونها در اروپا ریخته نشد و چه خرابیها که به بار نیامد. چه ظلمها و ستمها [پیش آمد]. مردم متحد شدند تا آنکه دوره بناپارت در ۱۸۱۵ پایان یافت و مردم خسته و رنج‌دیده آرزومند بودند که بلکه کنفرانس صلح که سیاسیون آن وقت وعده می‌دادند به این کشمکشها و خونریزیها پایان دهند و آسایش عمومی در اروپا برقرار کنند. غافل از آنکه گردش روزگار امروزی با تحولات شدیدتری که پیوسته در جریان است و نظریاتی که سیاسیون حریص به خود می‌گیرند با جنگها و خونریزیهای هولناک توأم گشته، فکر و آرامش را در حقیقت بر طرف می‌نماید.

نتیجه کنفرانسها

آیا این کنفرانسی که در نظر است و امروز سیاسیون متفقین در اطراف آن در شهر پاریس در مذاکره می‌باشند ایجاد آرامشی را که امروز مردمان اروپا بلکه عالم پس از قرب پنج سال جنگ خواهانند برقرار خواهد کرد؟ آیا سیاسیون خواهند گذاشت؟ آیا حرص و طمع اجازه خواهد داد که مدتی آرامش برقرار باشد؟ آیا مسائل غامض امروزی را خواهند توانست حل کنند؟ تاریخ نشان داد که احتیاجات ملل در کنفرانس وین پس از

جنگهای ناپلئون بناپارت حل نشد و برجا ماند و به انقلاب و تشنج عمومی منجر گردید، بلکه استقرار و استحکام صلح در کنفرانسهای بعدی هم با نظریات سیاسیون امروزی حل نشده برجا مانده است. حتی کنفرانسها و عهدنامه‌هایی که برای جلوگیری از جنگ و برای استقرار صلح و امنیت عمومی منعقد شده خود مورث انقلاب و علت اصلی جنگ بوده است و چنین پیشامدها در فلسفه تاریخ غیرطبیعی نیست.

کنفرانس وین

ترقیات سریع آرزوی ترقی را در کالبد ملل نیرو داده تهییج می‌نماید، به قسمی که جلوگیری از آنها ممکن نمی‌باشد. چه بسا مرزها با این گونه افکار با تصادم خونین از میان رفته و ملل به ضرر همدیگر بهره‌مند شده‌اند. تفویض لمباردی و ونیز به دولت هابسبورگ و یا تفویض فنلاند به روسیه تزاری و یا تجزیه بلژیک و هلند چنان که در نقشه کنفرانس وین ترسیم گردید هیچ‌گونه اثری در جریان تاریخ اروپا نمود و به هیچ وجه آرامشی که مردم لازم داشتند ایجاد نکرد و به اختتام هرج و مرج و به استقرار صلح ثابت که مردم آن زمان از آن کنفرانس انتظار داشتند خاتمه نداد. معلوم می‌شود که یأس مردم از ایجاد عدالت بین‌المللی انقلابات شدید ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ برافروخته گردید و تا حالا دیده‌ایم که چنین پیشنهادهاتی مانند «اصل بیطرفی مسلح»، «پیشنهاد کاترین دوم روسیه» و یا «صلح عمومی» کانت (فیلسوف معروف آلمانی) متأسفانه ثمری تا امروز به بار نیاورده و از اتحاد و ائتلاف دو یا بیشتر از دول به مقصود [که] حفظ صلح [یعنی] کیمیای سعادت [باشد] به دست نیامده. حرص و طمع پیوسته از صلح و سعادت جلوگیری کرده و در این دوره معاصر این‌گونه طمعکاریها از طرف دول بزرگ اروپایی به ضرر ملل ضعیف پایان یافته

[است] چنان که «اتحاد مقدس» آلکساندر اول روسیه بیش از پیش بر حرص و طمع دولت روسیه تزاری بیفزود.

آیا می توان امید داشت

با این اختلافاتی که امروز خوب که با نظر کنجکاوی بنگریم میان خود متفقین موجود است آیا می توانیم امیدوار باشیم که این کنفرانس آرزوی مردم بیچاره و رنج دیده را برآورده خواهد ساخت؟ آیا می توانیم امیدوار باشیم که پس از این جنگ تا مدتی آرامش برقرار خواهد بود و تا حدی عدالت بین المللی مستقر خواهد گردید؟ آتیة جواب این سؤال را مبرهن خواهد داشت.

خرابیهای فرانسه

نباید فراموش کرد که فرانسویها از این جنگ خونین ممتد فرسوده گردیده اند] و سرباز فرانسوی دیگر بیش از این تحمل دوری از خانه و لانه خود ندارد. مردم فرانسه مانند مردم آلمان امروز آرامش لازم دارند. مردم طالب صلح می باشند. این خرابیهایی که به فرانسه در این جنگ وارد شده [است] باید ترمیم و ساخته شود. متجاوز از چهار سال دشمنی مانند آلمان در داخل مرزهای فرانسه مشغول جنگ و خونریزی بوده است. چه خانه ها که از پایه ویران نشد و چه مردمی که بی خانه و لانه نشدند و چه تلفاتی که به مردم وارد نگردید. رفع این آلودگیها کار آسانی نیست. آلمان امروزی قادر نیست جبران این گونه تلفات را بنماید. تنها چیزی که ممکن است این گونه زخمهای وارده را التیام بخشد آرامش و مدت زمان است. آلمان امروزی قادر نخواهد بود حتی یک صدم خسارات وارده به فرانسه را جبران نماید، وانگهی فرانسه در این جنگ تنها نیست و کار سایر دول متفقین چه خواهد شد؟

چه باید بکنند

هر کدام به قدر مراتبهم آلودگیهای بزرگی از این جنگ دارند و صورت حساب مفصلی ترتیب داده اند. وانگهی خسارات مادی، اگر آلمان امروزی هم از عهده آن می توانست برآید رفع این آلودگیها را نمی توانست بنماید. اروپا امروز چنان که گفته شد صلح و آرامش لازم دارد تا کشورهای این قاره را از حالت امروزی نجات دهد.

آلزاس و لرن

نقل و انتقال قطعات سرزی مانند آلزاس و لرن چندان کاری را صورت نخواهد داد، آلزاس و لرن همان طور که برای آلمان بار گرانی بود همان سنگینی را بر دوش فرانسه خواهد نهاد. امروز فرانسویهای آلزاس عداوت خود را نسبت به آلمان اظهار و فردا آلمانیهای لرن تلافی خواهند کرد. با این تعصب ملیت و نژاد که امروز در اروپا رواج دارد نقل و انتقال چنین قطعات سرزی اصلاً رفع نگرانی عمومی و ایجاد آسایش نخواهد کرد. باید موقعیتی به دست آید که فرانسه در مقابل آلمان و آلمان در مقابل فرانسه صمیمیت داشته، نظر سویی نسبت به یکدیگر نداشته باشند. آلزاس و لرن نمی تواند چنین موقعیتی را برای آنها ایجاد نماید. روش سیاسیون باید به کلی تغییر نماید. حرص و طمع را کنار گذارند و با پرچم عدالتخواهی و انصاف دوستی داخل میدان آزادی و برادری و برابری گردند. والا فرانسه در مقابل آلمان همیشه کوچکتر و از لحاظ عده نفوس ضعیف تر است. عده آلمانیها زیاده تر، خودشان فعالتر و دارای پشتکار زیاده تر و در میدان مبارزه بادوام تر [هستند]. نباید کشمکشهای سیاسی را به میدان جنگ مبدل نماید. فرانسویها خوب باید این گونه ملاحظات را تحت نظر داشته باشند. سیاست انتقام باید کنار گذاشته شود. سیاست انتقام طلبی دیروزی فرانسه سیاست فردای آلمانها خواهد بود. همیشه

دول دیگر مانند انگلیس و امریکا و دیگران حاضر نخواهند بود که به کمک فرانسه در مقابل آلمان ایستادگی کنند و یک جنگ جهانی برپا نمایند.

آلمان امروز

از قرار معلوم همین نظریات که ذکر شد میان سیاسیون متفقین که امروز در پاریس مجتمع شده‌اند جداً وجود دارد، در یک موضوع اساسی در این مدت جنگ تمام آنها هم‌منظر بودند و آن عبارت از شکست دادن و مغلوب ساختن آلمان بود، حالا به آن نظر رسیده‌اند. بدیهی است قبل از این جنگ از نفوذ آلمان و ترقیات آلمان به خصوص ترقیاتی که آلمان پس از نیل به وحدت از ۱۸۷۱ به بعد نمود هیچ‌کدام خوش‌بین نبودند. از ترقیات اقتصادی و صنعتی آلمان مخصوصاً انگلیسیها بیم داشتند. این بیم آنها پس از شکست آلمان مرتفع شد. آلمان امروز آلمان پیش از جنگ نیست. انگلیس و امریکا قطعاً رضایت نخواهند داد فرانسه خود را به سواحل رود رن برساند. تاریخ دوره ناپلئون بناپارت فراموش نشده است. انگلیس و امریکا تا دیروز با آلمان می‌جنگیدند ولی فردا اگر فرانسه آن سیاست دوره بناپارتنی را به خود گرفت بایستی با فرانسه بجنگند. انگلیس و امریکا نخواهند گذاشت که فرانسه در اروپا ریاست داشته باشد.

تعویض بازیگرها

دوره لویی چهاردهم فراموش نشده و ممکن است هر روز تجدید شود. تئاتر همان تئاتر است ولی بازیگرها عوض می‌شوند. هر زمان ممکن است جمهوری فرانسه مبدل به امپراتوری شده فاش و امثال او و یا پوانکاره و امثالش جای ناپلئون بناپارت و یا لویی چهاردهم را بگیرند. وانگهی همان فرانسه جمهوری ممکن است دست تخطی به اطراف دراز

کند. همان قدر که آلمان نیرومند و مقتدر برای انگلیس خوب نبود فرانسه نیرومند هم خوب نیست. چنان که تاریخ خوب نشان می‌دهد که قبل از این چه بسا میان انگلیسیها و فرانسویها کشمکش سیاسی در میان بود. اول دشمن فرانسه، انگلیس و برعکس اول دشمن انگلیس فرانسه بود. سالهای متمادی در زمانهای مختلف میان این دو کشور جنگ و ستیز در میان بوده است. آخرین این جنگها، جنگهای ناپلئونی بوده و چه خونهایی که در میدان این مبارزه ریخته نشده است.

مختلف و بیم از تجاوزات، دولت ایتالیا مدتی در ترکیب اتحاد سه‌گانه آلمان، اتریش، ایتالیا شرکت داشته تنها در این جنگ با امید بسیار بر له متفقین علیه متحدین سابق داخل جنگ گردید و این عهدشکنی بزرگ را مرتکب گردید. قطع روابط با متحدین دیرینه و پیوست به مخالفین دیرینه برای منظور سیاسی و جلب منافع بود.

نظر ایتالیا

امروز پس از این جنگ و این عهدشکنی که دولت نامبرده بر خود گرفته از کجا می‌تواند منافع منظوره را به دست آورد. دولت اتریش سابق قبل از جنگ از میان رفته و آن کشور روی اصول ملیت تقسیم و تجزیه شده و این تقسیم و تجزیه، همدردی و موافقت کامل ویلسن رئیس جمهور امریکا را نموده است. وانگهی اسلاوهای جنوبی دوست دیرینه فرانسه و انگلیس قسمت عمده‌ای از کشور اتریش سابق را تشکیل می‌دادند. اگر اتریش سابق بدین ترتیب یعنی روی اصول ملیت تقسیم شود هیچ‌گونه حوائجی را از نظریات ایتالیا برآورده نخواهد ساخت. وانگهی بسط ایتالیا در مدیترانه خود علیه نظریات یونانیها و بلکه فرانسویها و در باطن انگلیسیهاست. نژاد یونانی و اسلاو جنوبی نخواهند گذاشت ایتالیا از این راه فایده‌ای ببرد [به طور] محقق فرانسه و انگلیس به آنها در پیشرفت نظریات خودشان کمک خواهند کرد. با این نظریات که ذکر شد ایتالیا هم طالب ضعف آلمان نیست و نمی‌خواهد آلمان زبون شده فرانسه راه بسط و ترقی بییماید.

ایتالیا طالب جنگ نبود

هر روز می‌شنویم این ابرهای تیره انقلاب بر فراز ایتالیا متراکم است. اکثریت ملت ایتالیا خواهان حکومت جمهوری می‌باشند. کارگران هر روز

اختلافات سیاسی متفقین در کنفرانس آینده

فرانسه و ایتالیا

در فصل گذشته مختصری از اختلافات سیاسی انگلیس و فرانسه ذکر شد و محتاج به تکرار نیست. میان فرانسه و ایتالیا هم آن موافقتی که می‌بایستی موجود باشد و برای مذاکرات در این کنفرانسهای صلح لازم است هیچ وقت وجود نداشت. اگر چه فرانسویها و ایتالیاییها هر دو از لاتین و تقریباً از یک نژادند ولی هیچ زمان به واسطه قرب و همجواری و نظرهای مختلف سیاسی با هم که موافقت نداشته، ضدیت سیاسی و حتی کشمکشهای مرزی داشته‌اند. تعدی و تجاوز بیشتر از طرف فرانسویها بود که در ایتالیا اعمال می‌شد. فرانسویها تا همین اواخر قبل از ایجاد وحدت ایتالیا در ۱۸۷۱ قسمتی از جنوب ایتالیا را در تحت اشغال داشته، بوربن‌ها به سلطنت دو سیسیل استوار بودند. ولی پس از نیل به وحدت و پس از شکست و انقراض دولت لویی ناپلئون دیگر مناقشات مرزی میان این دو دولت وجود نداشت ولی به ملاحظات سیاسی

در هیجان و اعتصاب در نقاط مختلف آن کشور در کار است و این ناراحتی و هیجان بدیهی است از کجا سرچشمه می‌گیرد. دخول در این جنگ برای ایتالیا چه فایده‌ای داشته جز آنکه صدها هزار تلفات داده و میلیاردها خرج و کشور را به فقر و فاقه و بیچارگی دچار نموده است و تقصیر این غلط‌کاریها را از دربار و یک عده سیاسیون بی فکر و حریص می‌دانند. ملت ایتالیا با تشکیلاتی که دارد و با اختلافات جغرافیایی و اقلیمی که همیشه در این مملکت موجود بوده و میان قطعات شمالی و جنوبی ایتالیا حتی میزان تمدن امروزی را مختلف گردانده و [همچنین] وجود کوههای عظیم که به کلی شکل مملکت و جریان تمدن را در آن کشور تغییر داده و یکنواختی کامل را از این ملت سلب کرده است. به‌طور کلی مردم این کشور با اختلافاتی که ذکر شد طالب این جنگ نبودند. ملت ایتالیا صلح می‌خواست و نان که با آن زندگی کنند. در این وقت که دشمن متفقین مغلوب شد و رقیب دیرینه این کشور یعنی فرانسه نیروی جدید یافت برای ایتالیا یقیناً خطر بیش از پیش خواهد بود. تا زمانی که به ایتالیا نیازمند بودند او را با خود همراه می‌نمودند ولی امروز دیگر آن احتیاج مرتفع است و هر کشور از متفقین به فکر بسط نفوذ خود در اروپا و در سیاست بین‌المللی می‌باشد.

نظریات سیاسیون

به‌طور کلی با اختلافاتی که ذکر شد و میان کشورهای متفقین موجود و نیز ثبت تاریخ است نظریات سیاسیون این کشورها که فعلاً در فرانسه مجتمع شده‌اند و برای انعقاد کنفرانس صلح در مذاکره می‌باشند از این قرار است: فرانسه جداً علیه آلمان می‌کوشد تا آلمان را هر قدر که می‌تواند زبون و کوچک نموده، خود را به سواحل رود رن برساند و هر قدر بتواند از مرزهای دیگر آلمان که نزدیک مرزهای فرانسه می‌باشد در تصرف

گیرد. انگلیس و آمریکا و ایتالیا مخالف این سیاست می‌باشند و هیچ‌کدام مایل نیستند آلمان در مرکز اروپا زیون و ضعیف زبردست فرانسه قرار گیرد. ایتالیا مخالف نیرومندی فرانسه می‌باشد و می‌خواهد بر یونانیها و اسلاوهای جنوبی نفوذ تام و تمامی بر خود گیرد. انگلیس و فرانسه و آمریکا مخالف این قسمت از سیاست ایتالیا می‌باشند. انگلیس می‌خواهد قسمت عمده بلکه تمام نیروی دریایی آلمان و مستعمرات آلمان و کشور عثمانی را در ضبط گیرد. محققاً سایرین از کشورهای متفقین مخالف این سیاست انگلیس می‌باشند. تا چه حد این اختلاف نظرها که زائیده منافع مادی و سیاسی آنهاست مورث اختلال صلح ثابت و قطعی گردد آتیه نزدیک نشان خواهد داد.

خسارات

از طرفی اوضاع داخلی هیچ‌کدام از دول داخل در این جنگ بزرگ خوب نیست. تنها آمریکا و ژاپن در مقابل مختصر تلفات، فواید بالنسبه عمده‌ای برده‌اند. آمریکا مادی و ژاپن مادی و خاکی. انگلیس بدیهی است بسط نفوذ و توسعه خاکی بسیار به دست آورد و احتمال دارد در همین سیاست موفقیت تام به دست آورد و در هر صورت قسمت عمده‌ای از خاک عثمانی و مستعمرات سابق آلمان را در ضبط گیرد. ولی تلفات نفوس و مالی زیادی را در این جنگ متحمل بوده است. دولت انگلیس امروز متجاوز از هشت میلیارد لیره قرض دارد و تقریباً دو میلیون تلفات در این جنگ داده است. قسمت عمده کشتیهای تجارتي آن غرق و به جریان تجارت آن دولت لطمه وارد آمده است. خسارت فرانسه محتاج به ذکر نیست. قسمت عمده و آباد فرانسه در این مدت مدید میدان جنگهای خونین را تشکیل می‌داده است. ایتالیا هم تلفات و خسارات زیادی دیده است.

اتریش - آلمان

روس و اتریش که تقریباً به شکل سابق که قبل از این جنگ داشته‌اند از میان رفته‌اند. عثمانی هم تقریباً به آن [شکل] سابق از میان رفته. دول کوچک مانند صرب و بلژیک و رومانی خسارات عمده در این چند ساله جنگ بر خود دیده‌اند و سالهای دراز لازم دارند تا به حالت دیرینه و قبل از جنگ برگردند. وضع آلمان هم معلوم است و محتاج به بیان نیست. از یک طرف شکست در جنگ و از طرفی پرچم انقلاب در اهتزاز می‌باشد. به نقد بنیان این کشور و ملت آن در تزلزل است. بدیهی است اگر پیشامد مساعدت کرد و متفقین میان خود نتوانستند موافقت کنند آلمان از این تنگنا بیرون آمده نفس تازه‌ای خواهد کشید. والا اگر سیاست متفقین بدون اختلاف علیه آلمان به کار افتاد، حال آلمان معلوم است چه خواهد بود و به چه دردهای هولناکی دچار خواهد گردید.

اسپارتاکیستها

پنجشنبه ۶ تا دوشنبه ۱۰ مارس ۱۹۱۹ - اعتصاب برلن مقدمه نقشه انقلابی بود که علیه حکومت فعلی ترسیم کرده بودند. اعتصاب تنها زمینه‌ای بود که عده‌ای برای ایجاد بلوا و تبلیغات انقلابی کارگران را تهییج نموده آتش انقلاب عمومی را شعله‌ور گردانند و رؤسای اسپارتاکیستها مسئول طرح این نقشه می‌باشند. پیش از این زمان دسته‌ای از نیروی دریایی آلمان را به شورش تهییج نموده در کیل و بنادر دیگر آلمان علیه امپراتور و دولت امپراتوری آلمان به مخالفت تشویق [کردند] و اینان از مقابل دشمن فرار کرده مقدمه فتنه داخلی را باعث گردیدند. سپس تبلیغات انقلابی را در برلن و نقاط دیگر آلمان شروع کردند. همان ملاحان که در اوایل ژانویه علیه دولت در حال قیام بودند بر استحکام موقعیت خود افزوده با عده‌ای از سربازان همدست شده به عناوین مختلف بر

وسعت دامنه انقلاب افزودند و قرار بر این گذاشته بودند که پس از شروع اعتصاب عمومی این دو دسته مسلح، عبارت از نیروی دریایی و نظامی با تمام لوازم کار به دسته اسپارتاکیست ملحق شده به مرکز شهر برلن حمله کرده ادارات پلیس و دولتی را در مراکز مختلفه در تصرف آورده، حکومت انقلابی تازه‌ای را اعلام نمایند.

اعتصاب و شورش

حکومت فعلی آلمان قبلاً از این نقشه مطلع بوده به محض شروع اعتصابات محاصره انقلابیون را اعلام [کرد] و در همان مراکزی که آنها خیال انقلاب داشتند قوای کافی فرستاد و حاضر به جنگ شدند. ملاحان انقلابی به عهد خود وفا کرده به طرف انقلابیون رفته و نیز قسمت عمده‌ای از سربازان انقلابی به آنها ملحق می‌شوند. از روز سه‌شنبه همین هفته تا جمعه در مرکز شهر برلن آتش جنگ میان قوای حکومت فعلی و انقلابیون مشتعل بود. روز جمعه نیروی حکومت فعلی فائق آمده، انقلابیون را شکست داده از مرکز شهر به طرف شمال و شرق می‌رانند و از طرف شمال هم به طرف شرق و به محله معروف لیشتین‌برگ برلن رانده، در آنجا انقلابیون مستقر می‌شوند. در لیشتین‌برگ قتل و غارت زیادی واقع شده و پس از زدوخورد سخت با نیروی حکومت در آنجا هم موفقیت به دست نیاورده مغلوب نیروی حکومت می‌شوند.

ادامه شورش

پس از این وقایع دولت اعلام کرد که هر کس اسلحه در دست داشته و علیه دولت در جنگ بوده باشد به قانون نظامی مجازات و اعدام خواهد شد. پس از اعلامیه و عملیات سخت حکومت امنیت تا حدی برقرار و نقشه انقلابیون به کلی با شکست مواجه گردید و اعتصاب عمومی هم تا

روز شنبه بیشتر ادامه پیدا نکرد. مجدداً امور به مجرای خود به جریان افتاد. کارگران در کارخانجاتی که حوائج مستقیم زندگی را تهیه می‌کنند شروع به کار کرده‌اند. اگر چه هنوز اعتصاب به کلی رفع نشده ولی رونق بازارش شکسته و مظفریت کامل نصیب حکومت فعلی شده است. اگر حکومت فعلی با عزم جزمی بدین ترتیب کار کند احتمال دارد که به کلی نقشه و سیاست اسپارتاکیستها از آلمان رخت بر بندد. مع هذا نمی‌شود مطمئن بود که آتش فتنه به کلی خاموش شده است. اعتصاب و فقدان آرامش هنوز در بعضی مراکز آلمان موجود است و اغلب جاها به همین دردها مبتلا هستند و از همه سخت‌تر فقدان اغذیه و گرفتاری شدید نیازمندیهای مختلف به مواد اولیه و پوشاک بدیهی است بر بیم عصیان و هرج و مرج و انقلاب می‌افزاید.

رساندن آذوقه

مذاکرات حکومت فعلی آلمان با متفقین که عمده آنها انگلیس و امریکا می‌باشند راجع به تهیه آذوقه و مواد اولیه برای آلمان هنوز به جایی نرسیده، متفقین کلیه کشتیهای تجارتي آلمان را خواستار شده‌اند بدون اینکه مسئولیت رساندن اغذیه و مواد اولیه را بر عهده بگیرند. از قرار معلوم آلمانها حاضرند کلیه سفائن تجارتي و وسائل تردد دریایی خود را تسلیم کنند، به شرط آنکه متفقین مسئولیت رساندن آذوقه به آلمان و مرتفع ساختن قحطی و سختی را از این کشور بر عهده گیرند. این نظر هنوز به جایی نرسیده، از قرار معلوم فرانسویها جداً با این نظر مخالفت دارند.

نمایندگان آلمان در بروکسل

سه شنبه ۱۱ مارس - از قرار معلوم جزئی تغییری در سیاست متفقین ظاهر

گردیده، دیروز ژنرال فش از حکومت فعلی آلمان تقاضا می‌کند نمایندگان خود را برای روز پنجشنبه سیزدهم مارس به بروکسل اعزام دارند که در موضوع تسلیم کشتیهای تجارتي آلمان و رساندن آذوقه و حوائج ضروری فوری به آلمان داخل مذاکره بشود. لذا نمایندگان آلمان امشب از برلن حرکت کرده به طرف بروکسل پایتخت بلژیک می‌روند که پس فردا پیش از ظهر در جلسه‌ای که در آنجا منعقد خواهد شد حضور یابند. از قرار اخباری که اخیراً رسیده به زودی تصمیم کمیسیونهای مختلف پاریس و شرایط مقدماتی صلح که تهیه [شده] به آلمانها پیشنهاد خواهد شد. در اینکه این شرایط متفقین برای آلمانها سخت خواهد بود جای تردید نیست. ولی با نظریاتی که قبلاً بیان کردم و عقایدی که از جریان تاریخ مشخص است و اظهار شد خود کشورهای داخل اتفاق، آن اتحاد واقعی و هم‌نظری کامل را ندارند و به خصوص در بعضی چیزها که با نظریات خصوصی آنها تماس دارد اتفاق کاملی میان آنها به وجود نخواهد آمد.

مشکلات وحدت

فرانسویها سعی وافی دارند که نگذارند آلمانیهای اتریش به آلمانیهای سایر قسمت اروپا متصل شوند ولی چگونه چنین چیزی میسر می‌گردد، در صورتی که سیاسیون اروپایی امروز پایه صلح و آرامش را براساس ملیت و هم‌زادی و وحدت ملی می‌دانند و طبق همین نظر فرانسویها می‌خواهند آلتاس و لرن را از آلمان پس بگیرند. در صورتی که کاملاً معلوم نیست در این دو قطعه فرانسویان ساکن آنجا بیشتر رأی دارند یا آلمانیهای ساکن آنجا. دیگر با همین نظر خواهان ساختمان لهستان تازه‌ای می‌باشند. بر روی همین اساس می‌خواهند اسلاوهای جنوبی را متشکل سازند. با این‌گونه افکار و با این نظریات سیاسی چطور می‌توان قسمتی از آلمانیها را که دارای یک قومیت و یک نژاد و یک زبان می‌باشند نگذارند

به قسمتهای دیگر ملت خود ملحق شوند. وانگهی زندگی مستقل برای آلمانیهای اتریش چندان آسان نیست. اگر به سایر آلمانیهای کشور آلمان ملحق شوند، بدون شک زندگی از هر نظر برای آنها سهل تر خواهد بود. وسائل کار و بازرگانی برای آنها فراهم و راه آنها به دریا باز و از تجاوز خارجی به کلی محفوظ خواهند بود.

زغال سنگ

اسپارتاکیستها طرف مشرق برلن را هنوز در دست دارند. امروز خبر تازه از آن قسمت نرسیده [است] و از پیشرفت نیروی دولتی هم خبر تازه‌ای در دست نیست. از قرار معلوم حکومت فعلی می‌خواهد انقلابیون را کاملاً تحت محاصره آورد و از اطراف به آنها حمله‌ور شود. از قراری که می‌گویند عده بسیاری از انقلابیون را طبق قانون سخت نظامی اعدام کرده‌اند. در معادن زغال سنگ سیلزی اعتصاب عمومی ادامه دارد و کار زغال سنگ عنقریب در آلمان سخت خواهد شد. از اطراف متفقین انگشتی در پریشان کردن اوضاع آلمان دارند و هر قدر بتوانند بر هرج و مرج فعلی این کشور می‌افزایند، غافل از آنکه این آتش که شعله‌ور می‌شود تا حدی دامنگیر خود آنها نیز خواهد شد.

مردن اطفال

موضوع آذوقه و زندگی در برلن محتاج شرح و بیان نیست که روز به روز بلکه ساعت به ساعت سخت‌تر می‌شود. مواد لبنی از قبیل کره و پنیر و ماست دیگر تقریباً هیچ به دست نمی‌آید. چای و این‌گونه چیزها که از خارج می‌آورند مدتی است دیگر اصلاً پیدا نمی‌شود و اگر هم احیاناً پیدا شد متجاوز از صد برابر قیمت معمولی آنها معامله می‌شود. روزی صدها طفل شیرخوار بدین واسطه در شهر برلن تلف می‌شوند. طبق اخباری که

از طرف دولت منتشر می‌شود روزی متجاوز از هشتصد تا هزار نفر در آلمان از گرسنگی به مرگ می‌رسند.

صفا و هوای برلن

چهارشنبه ۱۲ مارس - امروز هوای طبیعی اقلیم برلن بسیار خوش است ولی برخلاف آن، هوای زندگی اجتماعی و مادی بسیار تیره و تاریک است. در این فصل که اغلب هوا ابری و بارانی است امروز آفتاب تمام روز را درخشان بوده و حرارت هوا را به هجده درجه رسانده است. شبیه به هوای اواسط ماه مه، برگ درختان سبز و مرغان به خوانندگی افتاده‌اند. پیش از ظهر به درختستان خارج رفته تفریحی بسزا نمودم. با این افکار امروزی این گونه گردشها برای انسان و برای حفظ سلامت شخص لازم است. خارج شهر برلن فی الحقیقه جاهای باصفایی دارد به خصوص در طرف مغرب شهر. از پل راه آهن معروف به پل هالنه که کمی گذشتیم داخل درختستان یا جنگل مصنوعی گرون‌والد می‌شویم خیابانهای عالی، خانه‌های بسیار زیبا، درختستانهای انبوه، گلکاریهای بسیار زیبا، هوای بسیار مطبوع شروع می‌شود و بهترین گردشگاه تفریحی را در جلو شخص می‌گذارد. هیچ گمان نمی‌شود که شهر برلن با میلیونها جمعیت و این همه آمد و رفت و این همه کارخانه و این قدر گاز و بخار و دود و امثال آن به فاصله کمی در بیرون شهر چنین محلی را برای تفریح و گردش تهیه کرده است. هر قدر انسان بیشتر در این گردشگاه جلو می‌رود صفای کشت و کار، زیبایی جنگل و خوشی هوا بیشتر و بهتر می‌شود. از طرف جنوب غربی شهر برلن به پوتسدام تاریخی که در پنج فرسنگی شهر برلن است می‌رود، در هر صورت در چنین هوایی مانند هوای امروز گردش در گرون‌والد لذتی فوق‌العاده به اینجانب داد. در تابستان پشه در این قسمت زیاد است که با وسائل فنی و علمی امروزی آنها را از بین می‌برند.

اعتصاب

امروز پس از یک هفته اعتصاب تراموهای برقی در قسمتهای شهر که آزاد است و اسپار تاکیستها در آنجا مداخله‌ای ندارند شروع به کار کرده است. لذا حرکت در شهر با این ترامواها اشکالی ندارد. در این چند روزه اعتصاب وسائط نقلیه به مردم بسیار سخت گذشت. در شهر بزرگی مانند برلن که مردم آمدورفت زیاد دارند و به کار خود باید برسند و در عین حال وقت آنها محدود است فقدان وسائل تردد امروزی بسیار سخت است. تلفن هم در این مدت وجود نداشت. در صورتی که امروز هر خانه‌ای نیازمند به تلفن می‌باشد. تلفن تمام کارخانه را به راه می‌اندازد و مرابطات اجتماعی و اقتصادی را سهل و آسان می‌نماید. اگر از کار افتاد چنان که در هفته گذشته در برلن چنین بود، زندگی تقریباً متوقف می‌شود و مانند اعتصاب وسائل تردد، خسارات عمده وارد می‌گرداند.

زندگی امروزه

در حقیقت تفاوت عمده تمدن امروزی شهرها با وضع زندگی سابق در شهرها روی همین تسهیلات فعلی است از قبیل وسائل تردد و وسائل مخابراتی و غیره. اگر از خانه‌ها آب لوله و مجرای هرز آب و گاز و الکتریک و تلفن و از خیابانها وسائل نقلیه امروزی قطع شود زندگی فوراً به زندگی یکصد سال قبل برمی‌گردد. باز در یکصد سال قبل مردم برای خودشان یک تسهیلاتی در زندگی فراهم آورده بودند ولی امروز آن تسهیلات هم فراهم نیست.

قدرت کارگران

کارگران بسیار خوب به اهمیت کارشان پی برده‌اند. بنیان زندگی امروزی دست کارگران است. کارخانجات در دست آنهاست و همین کارخانجات

لوازم زندگی جامعه را تهیه می‌کنند. سرمایه امروز برای تهیه حوائج عمومی اجتماع به کار انداخته شده [است] و به دست کارگران در راه تهیه سیر می‌کند. اگر کارگران دست از کار بکشند سرمایه از کار می‌افتد و با از کار افتادن سرمایه توقف چرخ زندگی امروزی تولید می‌شود.

روش خشن

نیروی حکومت فعلی به تدریج به طرف شرق شهر برلن که در دست اسپار تاکیستها می‌باشد جلو می‌رود و از قرار معلوم می‌خواهد انقلابیون را از اطراف محاصره کرده، تمام آنها را در چنگ آورد. دیروز عده‌ای از این انقلابیون را که اسیر کرده بودند اعدام کردند. اگرچه تیرباران کردن آنها بدون استنطاق و تفتیش کامل و قضاوت عادلانه خیلی سخت است مع هذا فایده فوری بخشید. هر دم و هر ساعت از نیروی انقلاب کاسته شده بر قوه و سلطه حکومت افزوده می‌شود. می‌گویند ترس برادر مرگ است و حتی از برای همین انقلابیون و عده‌ای از اشرار که به خیال چپاول داخل معرکه شده‌اند و هیچ چیز را به جز گل آلود کردن آب و صید ماهی در آن نمی‌شناسند حالا که کار را بر خود سخت دیدند و به یقین دانستند جان خودشان را در این بازی و شیادی خواهند گذاشت، بی صدا اسلحه را از دست داده، فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد. در این مواقع فوق‌العاده روش سخت و خشن لازم است.

امنیت کشور

اگر در ایران هم دولت قوت و جسارت لازم می‌داشت و اگر از روی یک نقشه صحیح حرکت می‌کرد و نیتش برانداختن هرج و مرج و استقرار امنیت می‌بود خیلی آسان با اعمال یک روش سخت موقتی، اشراری

مانند نایب حسین و غیره را با یک حرکت سرکوبی سخت نموده مایه عبرت دیگران گردانده، مملکت را به حالت آرامش کامل درمی آورد. تیرباران کردن اشخاص که اسلحه بر ضد دولت برمی دارند و مایه فساد می شوند و مشکلات تولید می کنند سخت است و از یک نظر با رحم و مروت تطبیق ندارد، ولی خوب که بسنجیم سختی و بیرحمی نسبت به یک عده معدودی در مقابل ایجاد امنیت و آرامش در تمام مملکت و برای خاطر تمام افراد جامعه یک سیاست عادلانه واقعی بشمار می رود. امنیت کشور را و آسایش یک جامعه را نباید فدای اغراض یک عده آشوب طلب گردانید. فی الحقیقه اساس بنای حکومت روی همین اصل گذاشته شده که امنیت و آسایش عمومی را برای یک کشور و یک جامعه فراهم گرداند. اگر حکومتی وسائل حفظ امنیت را فراهم نکند آن را حکومت امروزی نمی توان خواند.

اجازة سفر

پنجشنبه ۱۳ مارس - امروز با آقای اعظم السلطنه با تلفن صحبت کردم. می گفت تلگرافی از تهران رسیده در اوضاع.....^۱ آقای نواب هم خیال رفتن به لاهه را دارند و یک هفته است که تذکره برای خود خواسته اند ولی هنوز نرسیده. خود اعظم السلطنه هم می خواهد به لندن برود و متجاوز از ده روز است تقاضای جواز کرده ولی هنوز نرسیده. آلمانها هیچ گونه اشکالی نه در حرکت آقای نواب و نه در حرکت ایشان دارند. ولی هلندیها اشکال می کنند. سفارت هلند در برلن اصلاً اجازه صدور جواز حرکت ندارد، بایستی این جواز از هلند برسد. شکایت می کرد این هفته هیچ گونه اغذیه به دیپلماتهای خارجی مقیم برلن نرسیده است و دیپلماتها هم می بایستی سرگرسنه بر بالش صبر و تحمل بگذارند تا دنیای بهتری در پیش آید.

۱. در اصل، جای چند کلمه خالی است.

نطق وزیر دفاع

دیروز وزیر دفاع حکومت فعلی راجع به وقایع اخیر برلن نطقی در مجلس ملی ایراد کرده مسئولیت عمده این اغتشاشات را به گردن روزنامهجات و تبلیغات انقلابیون و سوسیالیستهای رادیکال وارد می نماید. حکومت فعلی آلمان از هیچ گونه مجاهدتی مضایقه نکرده این فتنه را ریشه کن خواهد کرد. برای حفظ امنیت عموم و جان و مال مردم اعمال هیچ گونه مجازاتی مطابق قانون سخت نیست، هر قدر هم آن قانون با روش فوق العاده خشنی تدوین شده باشد.

رودرن و ملیت آلمان

پس از نطق وزیر دفاع، رئیس الوزرا هم اظهاراتی نمود. گفت آلمان هیچ وقت رضا نخواهد داد قسمت چپ رودرن از قسمت راست رودرن مزبور مجزا شده به دولت خارجی منتقل شود. اساس ملیت آلمان بایستی بر جای بماند. طرف چپ رودرن همان قدر آلمانی است که طرف راست آن رودخانه می باشد. زبان آلمانی، نژاد آلمانی، جامعه آلمانی و تمدن بایستی ثابت و استوار بر جا بماند. هیچ قوه ای نمی تواند در احساسات مردم آلمان خللی وارد آورد و آن را از باقی آلمان مجزا گرداند. مجلس ملی تا روز بیست و پنجم مارس تعطیل شد ولی مجلس ملی پروس این دو روزه منعقد می شود.

کنفرانس بروکسل

نمایندگان انگلیس و آلمان در بروکسل راجع به تسلیم کشتیهای تجارتنی آلمان و تهیه اغذیه فوری برای آلمان داخل مذاکره شده اند. از قرار معلوم عنقریب موضوع رساندن اغذیه و مواد اولیه به آلمان به نتیجه خواهد رسید.

میرزا فضلعلی آقا و تمدن جدید

جمعه ۱۴ مارس - امروز صبح آقای میرزا فضلعلی آقا از قضات آزادیخواه عدلیه تهران که مدتی است به مرض سرطان گرفتار [ست] و برای عمل جراحی و معالجه به آلمان آمده و بیچاره حالش چندان خوب نیست به دیدن نگارنده آمد. مدتی است در یکی از مریضخانه‌های برلن مشغول مداوا می‌باشد و تا به حال چند عمل جراحی را تحمل کرده ولی به نتیجه مطلوبی نرسیده است. اول بینی این بیچاره را به کلی برداشته [اند و] از گوشت و پوست سایر قسمت‌های بدن او نزدیک به صورت بینی مصنوعی برای او تشکیل داده ولی بسیار ناقص و در انجام این عملیات یک چشم او هم از میان رفته است و باز ماده این مرض هولناک در او باقی است و به کلی رفع نشده. با حالت اسفناکی که داشت شرحی راجع به اوضاع اجتماعی اینجا و ایران با صدای لرزان تأسف آور صحبت و از اصول تمدن امروزی تعریف و توصیف می‌کرد و بخصوص راجع به آداب زندگی و انجام امور اجتماعی به‌طور کلی بیاناتی می‌نمود. می‌گفت چه خوب می‌شد عده‌ای از وجوه پیشوایان روحانی و سیاسی ایران به اینجا می‌آمدند و خودشان به رأی العین اوضاع اجتماعی و ترقیات امروزی و بخصوص ترقیات جامعه زنان را می‌دیدند و به خوبی می‌فهمیدند که عفت زن تنها به چادر و چهار دیوار تضمین نمی‌شود.

زنان

چرا نباید زنان آن طوری که شاید و باید از الطاف تربیت و فرهنگ بهره‌مند شوند؟ چرا نباید آن فایده‌ای که دیگران از وجود زنان عایدشان [می‌شود] عاید ما ایرانیان بشود. بار سنگینی باشند بر روی شانه مردان. عمده قسمت مهم جامعه بشری را زنان تشکیل می‌دهند. اگر زنان نباشند کودکان از کجا پرورش می‌یابند و به چه نحو بزرگ می‌شوند و برای عالم

بشری مفید واقع می‌شوند؟ زنان هستند که خانه‌ها را اداره می‌کنند. زنان هستند که اطفال را بزرگ می‌کنند و به میدان رشد و بزرگی تحویل می‌دهند. اگر این جامعه یعنی جامعه زنان تربیت نشوند و مسئولیت خود را نتوانند بر عهده بگیرند اوضاع جامعه به چه نحو اداره خواهد شد؟ اطفال چگونه تربیت خواهند شد؟ مردان به چه چیز علاقه‌مند خواهند بود؟ چرا باید زنان محصور باشند و به نام عفت از آنها هیچ‌گونه فایده‌ای برای جامعه عاید نگردد. باید کاملاً به این نکته متوجه شد که عفت زن بسته به چادر و چهار دیوار و محبوس نگاه داشتن او نیست. عفت بر اثر تربیت و شناسایی و روحیات و معنویات عالم بشری مستحکم می‌گردد. [گفت] در این مدت ناخوشی، در مریضخانه مهربانی و دانائی زیاد از پرستاران که تمام آنها زن می‌باشند نسبت به من شده است. مستخدمین مریضخانه تماماً زن می‌باشند و حتی دکتران معالج هم بیشتر زن هستند. به حکم طبیعت پرستاری بیماران بر عهده زنان است. مردان آن‌طور که بایستی از عهده پرستاری بیماران بر نمی‌آیند. همان‌طور که دایه کودکان زنان هستند پرستار بیماران هم باید زنان باشند. متأسفانه عقاید غلط راجع به اروپائیان و فقدان عفت میان آنان در ایران جای‌گیر شده است. مردم ما خیال می‌کنند از معاشرت زن و مرد و از داخل بودن زنان در جامعه و از سهم بودن زنان در انجام قسمت عمده‌ای از امور اجتماعی بی‌عفتی تولید می‌شود. در صورتی که این عقیده به کلی غلط است. اگر زن بی‌عفت باشد از پس چندین پرده هم بی‌عفت خواهد بود. باید زن را تربیت کرد، تحصیل داد و آداب عفت آموخت. نه آنکه در وسط چهار دیوار محصور نگه داشت و بار دوش مردان و بالاخره جامعه قرار داد. زن باید در مکتب زنان تربیت شود. همان‌طور که مردان تربیت می‌شوند زنان هم باید تربیت شوند. زنان در زندگی شریک مردانند و باید به مردان کمک کنند. زنان باید خوب و خوش‌اخلاق باشند. مادران خوب،

خواهران خوب و زنان خوب و صحیح در جامعه تشکیل دهند. چه بسا کارهای عمده جامعه که باید بر عهده زنان گذاشته و به دست زنان ساخته شود. خانه‌داری، بچه‌داری، بیمار‌داری از وظایف مسلمة زنان است. زنان هستند که در زندگی بشری سهم عمده‌ای بر عهده دارند، چرا باید آنها را از مسئولیت مهم آنها محروم نمود؟ از اهمیت مقام زنان نباستی کاست. همان قدر که تربیت پسران لازم است تربیت دختران لازمتر می‌باشد. اگر دختران تربیت نشوند یقین است زنان و مادران خوبی نخواهند بود و جامعه را آن طور که باید و شاید منظم و بی‌آلایش نگه نخواهند داشت.

زن خانه و مرد صحرا

به خاطر دارم در یکی از دهات ایران با یک خانواده دهقانی بیچاره مرکب از یک مرد بالنسبه پیر و زنی پیر و دو سه اولاد پیرشان صحبت می‌کردم. این زن پیر با صدای لرزان می‌گفت من زن خانه بودم و مرد دشت و صحرا. هم خانه را اداره می‌کردم و هم به کشت و کار در دشت و صحرا کمک می‌نمودم. مرد پیر با تبسمی گفت این درست نیست. من هم مرد دشت و صحرا بودم و هم کشت و کار بر عهده من بود. خانه‌داری نیز می‌کردم. من پیش خود در همان وقت که این اظهارات را شنیدم تأملی کردم و به خاطر آوردم که آن زن بیچاره صحیح می‌گفت. اگر زن خوب تربیت شود و به طرز خوشی پرورش یابد همان‌طور که این زن گفت هم کار خانه را اداره می‌کند و هم به شوهر فلاح خود کمک در کشت و کار می‌نماید. ولی اظهار آن مرد پیر را نپسندیدم؛ اگر هم در انجام کار کشت و کار صحیح می‌گفت موضوع کار خانه او را بایستی به شوخی تلقی کرد.

کمی مرد در آلمان

حالا ملاحظه کنید اوضاع آلمان امروزی چیست، امروز آلمان فاقد مردان

کاری است. برای انجام امور مردان به حد کافی مرد وجود ندارد. بیچاره‌ها در میدان جنگ از بین رفته‌اند. امروز زنان آلمانی وظایف خودشان را که همیشه به عهده زنان است انجام می‌دهند و قسمت عمده وظایف مردان را هم بر عهده گرفته‌اند. در شهر که عبور و مرور می‌کنیم کارهایی که در سابق با مردان بود از قبیل راندن آلات حمل و نقل، تراموی و آمنی‌بوس و حمل و نقل بار و غیره تمام بر عهده زنان است. یک پا بگذارید تا ایستگاه راه‌آهن و ملاحظه کنید چطور زنها حمل و نقل بار می‌کنند، چگونه زنها راندن ترنها را بر عهده دارند، چطور زنها اداره کردن راه‌آهن را از فروش بلیط و غیره بر عهده گرفته‌اند. آن وقت ملاحظه خواهید نمود که حرف آن زن پیر دهقان ایرانی را که می‌گفت هم زن خانه است و هم مرد دشت و صحرا برای کشت و کار، صادق است و باید تصدیق نمود و مسئولیتی که بر عهده زنان در این دنیاست باید کاملاً بر عهده شود.

ورود ویلسن به پاریس

از قرار خبری که بعد از ظهر امروز رسیده ویلسن دیشب وارد پاریس شده است و عنقریب نمایندگان آلمان را برای مذاکره و بستن معاهده به پاریس دعوت خواهند کرد.

گرسنگی در آلمان

مخبر مخصوص روتر انگلیسی در برلن شرح سختی و تنگی معاش مردم آلمان را در راپرت تلگرافی خود داده و از دولت انگلیس و سایر متفقین درخواست کمک می‌نماید. می‌گوید اگر دولت آلمان مقصر بود و اگر امپراتور آلمان در این جنگ مسئول و مقصر بوده [است] ربطی به تمام مردان و زنان و کودکان امروزی آلمان ندارد که باید از گرسنگی تلف

شوند. بروید قبرستانهای آلمان را تماشا کنید که چطور نعشهای کسانی که بر اثر قحطی و گرسنگی تلف شده و از میان رفته‌اند، به خصوص کودکان که از فقدان شیر تلف شده‌اند، به خاک سپرده می‌شوند. پس باید ترحم داشت و برای حفظ اینها فکر عاجلی نمود.

ترجم انگلیسی

کشیش دانشگاه اکسفورد هم در مکتوبی که به روزنامه تایمز نوشته و در آن اشاعه یافته است برای رساندن آذوقه به آلمان درخواست مؤکد می‌نماید. معلوم می‌شود انگلیسیها بالاخره رحمی به دلشان راجع به آلمانها وارد شده [است] و مردم در انگلیس و امریکا به حال آلمانها احساسات موافقی در دل گرفته‌اند و می‌خواهند به آنها کمک بکنند. فی الحقیقه متجاوز از چهار ماه است که [صحبت] متارکه جنگ رسماً به میان آمده [است] و دیگر جنگی در میان نیست هنوز مثقالی آذوقه و مواد اولیه از خارج وارد آلمان نشده است.

نظر بیزمارک

یکی از معایب کار آلمان در انجام جنگهای طولانی همین موضوع است. موقعیت جغرافیایی آلمان آن را نیازمند به کمک خارج در مواقع سخت می‌نماید. چه از راه خشکی و چه از راه دریا زود در محاصره واقع می‌شود و به درد امروز گرفتار می‌گردد. بیزمارک سیاستمدار شهیر آلمان همیشه می‌گفت که آلمان نباید بگذارد دول غربی با دولت روسیه شرقی بر علیه او متحد شوند. اتحاد دول غرب و شرق آلمان بر ضد او ایجاد موقعیت سخت [می‌کند] و بالاخره [موجب] شکست و اضمحلال آلمان خواهد بود. تا زمانی که خود بیزمارک در رأس امور آلمان بود و صدارت آلمان را بر عهده داشت نگذاشت چنین موقعیتی برای آلمان ایجاد شود.

در هر جنگی که آلمان داخل می‌شد طرف آلمان تنها بود و اتحادی بر علیه آلمان بسته نمی‌شد. پروس اتریش را در سال ۱۸۶۵ شکست سختی داد و جنگ کاملاً به نفع آلمان خاتمه یافت و اتریش دست از ریاست بر جامعه ژرمن برداشت. پروس در ۱۸۷۰ با فرانسه داخل جنگ شد و بیزمارک نگذاشت دول دیگر با فرانسه متحد شوند، یعنی تا از این موضوع کاملاً مطمئن نشده بود که دول دیگر به احتمال به کمک فرانسه داخل جنگ می‌شوند به این جنگ مبادرت نمی‌کرد. دیدیم چگونه آلمان فرانسه را شکست داد و امپراتور دوم فرانسه و لویی ناپلئون را از میان برداشت. تنها بی‌فکری و بلهلم دوم و صورت‌سازی او و فقدان پیش‌بینی او بود [که] آلمان را در ۱۹۱۴ به این بلا دچار گردانید.

سازش موقتی

دول غربی به خصوص دولت انگلیس مناقشات و اختلافات خود را با دولت شرقی یعنی روس تزاری موقتاً کنار گذاشتند و دست اتحاد بر ضد آلمان با یکدیگر فشردند و داخل این جنگ شدند. بنای سازمان حکومت تزاری تاب و تحمل این جنگ را نیاورد و قبل از پایان آن به انقلاب بلشویکی منجر گردید. ولی دول غربی با تشکیلات و پیش‌بینی‌هایی که داشتند، و به خصوص انگلیسیها که از مظفریت خود و اوضاع داخلی آلمان و نیازمندی آن کشور به مواد اولیه که از خارج می‌بایستی وارد شود و ورود آنها را از دریا و خشکی تحت قدغن سخت قرار داده بودند به جنگ ادامه دادند و حاضر نشدند موضوع صلح را به میان آورند. ورود امریکا هم در جنگ به آنان کمک کرد و آلمان را به درد امروزی مبتلا ساخت.

نظر انگلیسیها

این هفته در برلن اصلاً گوشت و لبنیات پیدا نمی‌شد. قصابها و لبنیات

فروشیها و حتی فروشندگان سایر مواد غذایی دکه‌های خود را بسته‌اند. سیب‌زمینی که یکی از خوراکیهای عمده آلمانهاست دیگر یافت نمی‌شود. در این صورت معلوم است وضع زندگی آلمانهای امروزی چیست. صحیح یا ناصحیح مردم اینجا تمام تقصیر را از انگلیسیها می‌دانند. می‌گویند اگر نیروی دریایی انگلیس نبود، اگر انگلیسیها بازار دنیا را بر روی آلمان نمی‌بستند و کشورهای بی‌طرف همجوار آلمان را به مخالفت آلمان تشویق نمی‌نمودند و از کمک آنها برای آلمانها جلوگیری نمی‌کردند امروز وضع آلمان بدین طریق نمی‌بود. انگلیسیها مصمم [شده] بودند که تا به کلی آلمان را زمینگیر نکنند دست برندارند. حالا زمینگیر شدن آلمان عبارت است از تلف شدن صدها هزار کودک خردسال و مردان پیر و زنان بی‌چاره بی‌گناه. اگر حکومت آلمان تقصیر داشت و شاید هم بی‌تقصیر نبود به سزای خود رسید. شکست سخت‌ترین تنبیهی بود که به حکومت و دولت امپراتوری آلمان وارد گردید و آن هم از میان رفت، دیگر دشمن را نباید از گرسنگی از میان برداشت.

محاصره آلمان

محاصره دریایی امروز انگلیس تهاجم دوره چنگیزی را به خاطر انسان مجسم می‌نماید. قرب پنج سال است که هفتاد میلیون ملت آلمان در محاصره می‌باشند. در واقع شیره ملت آلمان کشیده شده است. کودکان امروزی با این زندگی فعلی کودکان دیروزی آلمان نخواهند بود. طفلی که در رحم مادر گرسنه پرورش یافته، طفلی که شیر نخورده و غذای درستی ندیده [است] نمو درستی نخواهد کرد. رنگ دیگر در صورت این بیچاره‌ها نمانده است. چه اشخاص متمکنی که امروز بتوانند در این محیط جزئی رنگی در صورت خود داشته باشند. گوشت نیست، چربی نیست، تخم‌مرغ نیست، شیر و مواد شیری وجود ندارد، حتی ماهی و

مرغ برای خوراک پیدا نمی‌شود. مردم از چه چیز استفاده کرده رنگ و بو داشته باشند. فقط آلمانها هستند که باز طاقت تحمل دارند، والا قومی دیگر ممکن نبود تا این درجه طاقت نشان دهند. امروز در جلو مغازه گل‌فروشی یک سبد گل سرخ دیدم دانه‌ای ده مارک قیمت گذاشته بودند. پرسیدم چرا بدین گرانی گفت اگر خوراک ارزان و فراوان به مردم رساندی گل را هم از قیمت امروزی تنزل خواهیم داد، گلکار و گل‌فروش به قیمت امروزی زندگی می‌کنند. زغال سنگ برای گرم کردن گلخانه گران و نایاب، کارگر گران و کم و مواد دیگر به شرح ایضا، کمتر از این قیمت چطور می‌توانستید از گل انتظار داشته باشید.

آذوقه برای آلمان

شنبه ۱۵ مارس - دیروز عصر قرارداد میان آلمان و متفقین راجع به تسلیم کشتیهای تجارتی آلمان و گرفتن آذوقه و مواد اولیه در بروکسل منعقد گردید، هنوز جزئیات این قرارداد منتشر نشده. ولی از خلاصه‌ای که راپرت داده‌اند معلوم می‌شود تا حدی کار آذوقه و مواد اولیه برای آلمان راه می‌افتد و متفقین هم تا حدی به نوای خودشان می‌رسند. عجالتاً در حدود یکصد و پنجاه کشتی بازرگانی از آلمان به متفقین تسلیم می‌شود و در مقابل متفقین به آلمان اجازه می‌دهند ماهانه در حدود سیصد و هفتاد هزار تن آذوقه از ممالک متفقین و یا از ممالک بیطرف دوست آنها خریده وارد نمایند. بهای آذوقه و مواد اولیه را به هر نرخ که معین کردند باید به طلا یا اسهام خارجی که همان قیمت طلا را دارد بپردازند. چنین معامله‌ای برای آلمان هیچ زمان سودی نداشته [است] و ندارد ولی امروز چه می‌توانند بکنند. بایستی به هر ترتیبی که ممکن است رفع این قحطی و تنگی را بنمایند. ملت را از گرسنگی نجات دهند و بعد به فکر سیاست و تهیه و ساختن وسایل زندگی به نفع خودشان بیفتند.

زندگی روزانه

کشتیهای تجارتي مایه زندگی اقتصادی امروزی کشور است. ولی واجب‌تر از داشتن آنها رساندن آذوقه و مواد اولیه به مردمان گرسنه می‌باشد. هیچ جای تردید نیست که از آغاز این جنگ تا امروز نظر متفقین بر این بود که آلمان را به زور تنگی و گرسنگی به زمین آورند و خطی عجالتاً به دور آلمان بکشند. محاصره دریایی و خشکی مستقیم و غیرمستقیم به قسمی سخت بود که نگذاشتند مثقالی مواد اولیه که برای زندگی روزانه لازم است وارد خاک آلمان بشود. این ملت تا آنجایی که ممکن بود از مواد اولیه خود استفاده کرد و در این مدت مدید در میدان جنگ به مبارزه می‌کوشید ولی به تدریج مواد اولیه‌ای که آلمان ذخیره کرده بود تمام شد و مجبور به تسلیم گردید. بدیهی است اگر آلمانها خوراک کافی داشتند و اگر مواد اولیه برای به کار انداختن کارخانجات به حد کافی در اختیار آنها بود ممکن نبود در مقابل دشمن سر تسلیم به زمین نهاده متارکه جنگ و مذاکره صلح را خواستگار شوند. همان‌طور که لودندورف در اظهارات خود می‌گوید مدتی بود که قوای جنگی آلمان تحلیل رفته [بود] به قسمی که در حملات اخیر متفقین در طرف مغرب مقاومت در مقابل دشمن میسر نبوده است.

سفر نه ایرانی

امروز با آقای نواب با تلفن صحبت کردم. اظهار داشت اسامی نه نفر از آقایان ایرانیان را که خیال مراجعت به ایران را دارند به سفارت هلند در برلن داده‌ام که سفارت مزبور اقدامات لازم برای صدور جواز مسافرت آنان از راه هلند به عمل آورد. وزیر مختار هلند اجازه دولت فرانسه را هم برای این نه نفر آقایان لازم دانسته است. آقای نواب به سفارت ایران نیز در سویس نوشته‌اند که اگر کاری از دست آنها هم برآید اقدام عاجلی

برای کسب جواز بنمایند. آقای میرزا قاسم خان خیال رفتن به وینه را دارد که از آنجا اگر ممکن بشود با مساعدت آقای صفاءالممالک وزیر مختار ایران در اتریش به ایران مراجعت کند. آلمانها اشکالی برای دادن جواز به ایشان نکرده‌اند.

وضع سیاسی ایران

امروز مدتی با آقای میرزا محمدعلی خان تربیت صحبت می‌کردیم. بسیار مایل است مجدداً تمام ایرانیانی که در برلن هستند برای ایران کار کنند، ولی به چه ترتیب و چه کار خود ایشان هم نمی‌دانند. به ایشان گفتم امروز یک نقشه عملی برای ایران لازم است. دیگر با خیالات دور و دراز نمی‌شود به نتیجه‌ای نایل گردید و برای ایران سیاست تازه‌ای به کار آورد. سیاست هم عجالتاً در دست یک عده آوارگان دور از وطن، با این وقایع که در پایان این جنگ اتفاق افتاده است نمی‌باشد. دستی به ایران نداریم که از ما و فکر ما عجالتاً کاری برای این کشور رنجیده فراهم شود. امروز دیگر رقابت روس و انگلیس در ایران وجود ندارد. روسها که گرفتار انقلابات داخلی و گرفتاریهای خودشان هستند، محققاً هرچه هست در دست انگلیس است و ما ایرانیان آزادیخواه که در این جنگ در طرف مخالف متفقین کوشیدیم بلکه راه نجاتی برای کشور ایران فراهم نمایند و ایران را از آن سیاست هولناک نجات دهند به چه ترتیب می‌توانند جلوگیری از انگلیس بنمایند.

ما چه می‌خواهیم

ما ایرانیان ملی و آزادیخواه چه می‌خواهیم؟ ما آبادی و ترقی کشور خودمان را خواهیم بدون اینکه استقلال خودمان را از دست بدهیم. باید بکوشیم و آن قسمت از استقلالمان [را که] از دست رفته است به دست

آوریم. برنامه‌ای که امروز باید برای خودمان تنظیم کنیم باید روی این اصول باشد: حفظ استقلال و وسائل پیشرفت و ترقی کشور ایران و ایرانیان. این را هم باید بدانیم که پیشرفت و ترقی کشور امروز نیازمند به ترسیم یک نقشه صحیح می‌باشد. پیشرفت این نقشه دو عامل مهم لازم دارد:

۱- وجود اشخاص وطن‌پرست که حاضرند در راه وطن از هیچ‌گونه فداکاری مضایقه ننمایند.

۲- برافکندن هر گونه موانعی که از طرف سیاست خارجی در جلو راه ترقی گذاشته شده [است] و صاف کردن راه برای پیشرفت به جلو.

ما ایرانیانی که امروز در برلن هستیم با دست بسته، دور از وطن خود و حتی بی اطلاع از جریان کار ایران و با دست تنگی زیاد برای زندگی روزانه خودمان چطور می‌توانیم یک پروگرام عملی ترتیب دهیم؟ باید اگر بتوانیم هر چه زودتر مراجعت کنیم و در تهران برای فراهم آوردن چنین نقشه‌ای مشغول شویم.

نظریات لودندورف

یکشنبه ۱۶ مارس - امروز مجدداً لودندورف اطلاعاتی در دفاع از خود به مطبوعات داده است که در روزنامه‌جات امروز مندرج شده. لودندورف می‌گوید طریقه عملیات او در این جنگ خارج از عقل و منطق نبوده است. از اول بر او معلوم بود که آلمان در مقابل دشمنهای نیرومند مشغول مبارزه است. تنها راهی که ممکن بود از عزم جزم متفقین در شکست دادن آلمان جلوگیری کند همانا دفاع با تمام قوای جنگی و عملیات تحت‌البحری و رساندن خسارات زیاد به طرف بود که دولت آلمان پیوسته تعقیب می‌کرد. عقیده لودندورف تا پایان جنگ همین بود که ذکر شد. پیوسته آرزو داشت با یک ترتیب خوشی که برای آلمان زیاد سخت نباشد صلح را فراهم

نماید. ولی نه به قسمی که مانند امروز آلمان در دست متفقین تسلیم صرف باشد. چنان که اگر عملیات تحت‌البحری تا آخر ادامه پیدا می‌کرد شاید به تسلیم قطعی آلمان منجر نمی‌گردید. لودندورف که موقتاً به سوئد رفته بود و مراجعت کرده عجالاً مشغول نوشتن تاریخ این جنگ و دفاع از خود می‌باشد.

چند روز است پس از شکست خوردن و برطرف شدن مقاومت اسپارتاکیستها از برلن مجدداً دسته نظامیها قوت یافته [اند]. اغلب افسران را با لباس نظامی در خیابانها می‌بینید. در سربازها هم نظم و ترتیب بهتری دیده می‌شود و مانند سابق به افسران خود سلام می‌دهند.

اجازه ماهیگیری

روزنامه‌جات امروز برلن هیچ‌کدام از قرارداد پریروز که در بروکسل منعقد شد وجد و مسرتی اظهار نمی‌کنند. همه اظهار افسوس می‌نمایند که چرا کشتیهای تجارتي آلمان باید بدین ترتیب از دست برود و خرید آذوقه و مواد اولیه به قیمت زیادی با پول طلا پرداخته شود. هیچ‌کدام اظهاری از ضرورت انعقاد چنین قراردادی نمی‌نمایند. هیچ‌یک از این روزنامه‌جات قائل نیستند که این قرارداد موقتاً ملت آلمان را از گرسنگی نجات خواهد داد تا قوه زندگی و کار از برایش تجدید شود. طبق این قرارداد احتمال دارد به هر یک نفر در آلمان در ماه پنج کیلو آذوقه برسد و به علاوه اجازه ماهیگیری در دریای بالتیک به آلمان مسترد گردد. نیز به احتمال بعضی از شرایط سخت محاصره دریایی برطرف گردد.

شکست اسپارتاکیستها

اسپارتاکیستها به کلی شکست خورده‌اند و عجالاً از برلن خارج شده‌اند. بعضی از آنها فرار کرده [اند] و قسمتی از آنها هم به توسط نظامیان توقیف

شده‌اند. هنوز حکومت نظامی در برلن برقرار و آمد و رفت در بعضی جاهای شهر قدغن است. از فردا دیگر ترامواها در تمام خطوط شهری و حتی در شمال و شمالشرق شهر که محل توقف اسپارتاکیستها بود به جریان کار خواهد افتاد. چنان که گفته شد عجالتاً انقلاب و هرج و مرج اسپارتاکیستها در برلن به کلی خوابیده است و مظفریت نصیب دولت فعلی شده. ولی باز چنان که گفته می‌شود در بعضی جاهای آلمان آرامش هنوز به وجود نیامده [است] و حتی در خود برلن اوضاع مانند آتشی زیر خاکستر می‌باشد. تا آتیه چه پیش آورد.

قرارداد بروکسل

دوشنبه ۱۷ مارس - قرارداد بروکسل امروز انتشار یافت. تقریباً مطابق خلاصه‌ای است که قبلاً اطلاع داده بودند. متفقین مسئولیت دادن خوراکی و مواد اولیه زندگی را به آلمان بر عهده نگرفته‌اند. فقط در ماه اول تا سیصد و هفتاد هزار تن ارزاق و مواد اولیه به آلمان خواهند فروخت...^۱ بی‌طرف تا همین میزان ارزاق و مواد اولیه خریداری و وارد آلمان کند. در این قرارداد شکی نیست که موفقیت و فواید به طرف متفقین متوجه است. ولی شکی هم نیست که آلمان از این موقعیت خطرناک داخلی نجات می‌یابد. از نظر سیاسی هم حکومت فعلی آلمان عجالتاً از انقلاب و هرج و مرج اشتراکی خلاص خواهد شد. این بلوهای اخیر ضرر فراوانی به شهر برلن وارد آورده است.

خرابیهای برلن

بعد از ظهر امروز به الکساندر پلاتس و طرف مشرق برلن که مرکز بلوای اسپارتاکیستها بود رفته تماشا کردم. اغلب عمارات دچار گلوله‌های توپ و

۱. جای چند کلمه در اصل ننفید مانده.

اصابت بمب شده است و بعضی از بناها به کلی خراب شده. عمارتی وجود ندارد که شیشه‌های در و پنجره‌های آن سالم مانده باشد. عمارت نظمیه مرکزی در چند جا و از چند طرف خرابی زیادی برداشته. معلوم می‌شود اوراق و دوسیه‌ها و اثاثیه به کلی از دست رفته و یا به توسط آتش سوخته و از بین رفته است. مدتی طول خواهد کشید تا این خرابیها برطرف و تعمیر شود.

وسایل رفت و آمد

امروز پس از چندین هفته رکود کار تردد با راه آهن دولتی از طرف مغرب به مشرق برلن باز شده. در برلن راههای آهن زیرزمینی مانند پاریس هنوز بسط پیدا نکرده، اغلب تردد با تراموهای الکتریکی [است] و در جاهای ممکن با راه آهن روی زمین صورت می‌گیرد. در مدت جنگ وسایل تردد محدود بود و از طرفی هم ماشینهای قدیم اسقاطی تعمیر نشده و واگنهای جدید هم جای آنها را نگرفته، کار تردد و آمد و رفت از یک نقطه شهر به نقطه دیگر مشکل شده. ترامواها اغلب زیاده از میزان خود مسافر سوار کرده و یا مسافرین را معطل کرده اسباب ناراحتی آنها را فراهم می‌نمایند. حالا حکومت فعلی سعی است که وسایل بیشتری برای آمد و رفت به کار انداخته راحتی اهالی را تا آنجا که ممکن است فراهم [نماید]. حکومت فعلی هم تقصیری ندارد. اوضاع امروزی برلن اوضاع عادی نیست. وضع ارزاق که معلوم است. آمد و رفت هم چندان وسائش خوب نیست و سخت‌تر از همه موضوع منزل است و روز به روز هم بدتر و سخت‌تر می‌شود.

وضع منزل

قرب پنج سال است که در برلن ساختمان تازه نشده و جمعیت هم زیاد

شده و به خصوص از خارج، از ایالات و ولایات به برلن آمده سکنی گزیده‌اند، لذا منزل فوق‌العاده کم و گران شده، اطاقی را که در زمان صلح ماهی ۲۰ تا ۲۵ مارک کرایه می‌دادند امروز از ۱۰۰ تا ۱۵۰ کمتر نمی‌دهند.

اظهارات وزیر خارجه فرانسه

وزیر امور خارجه فرانسه امروز اظهار داشته است عنقریب شرایط صلح که اساس عقد قرارداد صلح قطعی خواهد بود تمام شده به نمایندگان آلمان داده خواهد شد. نمایندگان آلمان هیچ‌گونه حق تغییر آن مواد را نخواهند داشت. باید آن مواد را یا قبول و یا رد کنند. از قرار راپرتی که رسیده ویلسن رئیس جمهور امریکا موافق با چنین قرارداد صلحی نبوده [است] و نخواهد بود.

نظر امریکا

سه‌شنبه ۱۸ مارس ۱۹۱۹ - اخبار مختلف از پاریس می‌رسد، از قرار معلوم پس از ورود ویلسن رئیس جمهور امریکا اختلافاتی میان نمایندگان کشورهای متفقین به میان آمده، ویلسن با فرانسه آشکارا اختلاف نظر اظهار داشته است. رئیس جمهور امریکا معتقد است که می‌بایستی یک انجمن بین‌المللی برای نزدیک ساختن کشورهای مختلف به همدیگر و ایجاد وحدت نظر میان آنها و دوری و اجتناب از جنگ در آتیه به وجود آید و در این انجمن کشورهای مختلف از وپایی، آسیایی و از هر جای مستقل دیگر دنیا نماینده به این انجمن فرستاده شود. ایجاد چنین انجمنی جزء لاینجزای قرارداد قرار گیرد و حل مسائل مشکل را به خصوص مسائل راجع به درخواستهای کشورهای متفقین از آلمان امروز بدین مجلس واگذار شود. اگر چنین مجلسی به وجود نیاید و اگر نمایندگان تمام کشورها در چنین مجلسی نباشند و حوائج و نیازمندیهای کشورهای

مختلف در این مجلس گفته نشود استقرار صلح و آرامش در دنیا پس از این جنگ ممکن نخواهد بود و مجدداً آتش جنگ برافروخته خواهد شد.

نظر فرانسه

دولت فرانسه هواخواه چنین نظری که رئیس جمهور امریکا دارد نمی‌باشد. نظر کلمانسو کاملاً مخالف این پیشنهاد است. کلمانسو می‌گوید نه تنها آلتزاس و لرن می‌بایستی به فرانسه ملحق شود بلکه تمام اراضی طرف چپ رود رن می‌بایستی به فرانسه منضم [شود] و یا تحت نظر حمایت و نفوذ فرانسه قرار گیرد و دولت آلمان هیچ نظری در این قسمت نداشته باشد. به علاوه بعضی از قطعات مرزی در قسمت مشرق آلمان و شمال و جنوب شرقی این کشور مجزا و به لهستان ملحق شود و لهستان تحت دولت مستقلی شکل دیرینه خود را بگیرد. به علاوه در آتیه بایستی ترتیبی برقرار شود که نیروی نظامی آلمان یک شکل بالنسبه معتدل و ثابتی به خود گیرد و طوری باشد که دولت آلمان نتواند به میل خود هر وقت بخواهد بر نیروی نظامی خود بیفزاید و [موجب] تهدید دیگران واقع گردد. سالیان دراز آلمان باید به همین شکل که گفته شد...^۱ محدود و تا حدی ضعیف در طرف شمال شرقی فرانسه زندگی کند و هیچ گونه تهدیدی برای دولت فرانسه به میان نیاید.

نظر انگلیس

انگلیس با این نظر موافق نیست. دولت انگلیس مایل نیست که قطعات مهمی از آلمان به فرانسه منضم شده این دولت را بیش از آنچه انگلیس خواهان است بزرگ و نیرومند گرداند. انگلیس، دولت فرانسه بسیار قوی و استعمارطلب [را] در طرف جنوب خود و در طرف شمال دریای

۱. اینجا چند کلمه افتادگی هست.

مدیترانه خواهان نیست. ولی از طرف دیگر مایل نیست آلمان مانند آلمان پیش از این جنگ در دریا و در رشته اقتصادیات و تهیه مصنوعات بسط ید پیدا کند به طوری که بتواند با انگلیس در این زمینه‌ها رقابت داشته باشد. عمده علت وارد شدن انگلیس در این جنگ و ملحق شدن به اتحاد دوگانه روس و فرانسه - با وجود اختلافات شدیدی که میان انگلیس و روس تزاری در آسیا وجود داشت و نیز اختلافاتی که با فرانسه در بعضی از قسمت‌های دریای مدیترانه و در شمال آفریقا داشته - برای این بود که از آلمان در زمینه بسط اقتصادیات و مصنوعات و گرفتن بازارهای تجارتي از دست انگلیسیها و بسط نیروی دریایی و سیاست استعمارطلبی آلمان جلوگیری شده منافع انگلیس را در آتیه نزدیک به خطر نیندازد.

آلمان بالنسبه قوی

عجالتاً بر اثر این جنگ نیروی دریایی آلمان و حتی سفائن تجارتي این کشور از میان رفته و دریاها به کلی به دست انگلیس افتاده است. نیز کارخانجات آلمانی بدین حال فعلی دچار [شده است] و آلمان تا مدتی نخواهد توانست رقابت خود را در رشته بازرگانی و عرضه مصنوعات خود به بازارهای تازه که منحصرأ در دست انگلیسیها افتاده است، تجدید نماید. ولی از طرفی آلمان بالنسبه قوی در مقابل فرانسه و یا ملل اسلاو در مشرق و جنوب شرقی اروپا برای نظر انگلیس کاملاً لازم است. انگلیس نمی خواهد راه روسیه به طرف مغرب اروپا باز شود و هر وقت بخواهد وسائل زحمات و بلکه مخاطرات انگلیس را فراهم آورد.

سیاست امریکا

امریکا از قرار نظریاتی که مستر ویلسن بیان می کند با این نظر انگلیس چندان موافقت ندارد. امریکا محققاً برای تقویت فرانسه کمک نخواهد

کرد و نخواهد کوشید که آلمان امروزی برای منافع سیاسی فرانسه ضعیف و زبردست بماند. از طرفی قلباً مایل نمی باشد که دریاها بالتمام در دست انگلیس و بازارهای اقتصادی تمام در دست انگلیس و مصنوعات انگلیسی در هر جا رتبه اول را حائز باشد. امریکا هم خود نظریاتی در این زمینه داشته و یقیناً بعد از این جنگ انتظارات بیشتری دارد و برای پیشرفت همین نظریات هم وارد جنگ شده است.

نظر ایتالیا

ایتالیا هم یک نظریاتی مخصوص به خود دارد. با فرانسه رقیب دیرینه خود نمی تواند موافقت تام داشته باشد. زیرا ایتالیا آلمان بالنسبه قوی می خواهد تا در مقابل اسلاوها ایستادگی کند. ایتالیا همیشه با اسلاوهای جنوبی مخالفت داشته و از تقویت آنها پرهیز می کرده است. به همین علت بود که اتحاد سه گانه آلمان، اتریش و ایتالیا را به وجود آورد و در نیمه دوم قرن نوزدهم بدین اتحاد پیوست. وانگهی ایتالیا هیچ زمان با فرانسه در خصوص نظریات خودش در دریای مدیترانه و در شمال آفریقا موافقت نداشته و سیاستی کاملاً مخالف فرانسه در این قسمتها ابراز کرده است. ایتالیای قوی برای فرانسه فایده ای ندارد و [به طور] محقق ورود ایتالیا در این جنگ که حتی مخالف سیاست دیرینه او بوده برای تقویت آتیه خودش بوده است که ایتالیا را در مقابل اسلاوهای جنوبی تقویت نموده، منافع ایتالیا را به خصوص در دریای مدیترانه مقابل حرص و طمع اسلاوهای جنوبی حفظ نماید.

پس از قرارداد بروکسل

امروز نمایندگان آلمان که قرارداد بروکسل را امضا کرده و به برلن برگشته اند کنفرانسی با حضور نمایندگان مطبوعات برای توضیح مواد قرارداد منعقد و اطلاعاتی در دسترس مطبوعات گذاشتند. قسمت

عمده‌ای از اغذیه و مواد اولیه که وارد آلمان خواهد شد با پول طلا و به قیمتی که طرف مطالبه کند باید پرداخته شود. یک قسمت از آن را هم با زغال سنگ و رنگ جوهر خواهند پرداخت و هر قسمت را هم که آلمانها بخواهند با اسهام شرکت‌های خارجه که در دست آلمانهاست معاوضه خواهند کرد. کشتیهای تجارتي آلمان تحويل متفقین داده می‌شود و هر چه کنفرانس صلح درباره آن رأی بدهد عمل خواهد شد. آنچه محقق است طبق این قرارداد تقریباً ۷۵٪ اغذیه و مواد اولیه‌ای که مورد نیاز آلمان است به آلمان خواهد رسید و تا حدی گشایش در زندگی مردم به وجود خواهد آمد.

نظر محمدعلی تربیت

آقای میرزا قاسم خان که مدتی دچار کسالت بود حالش بهتر است. امروز از او دیدن کرده ناهار را با آقایان مازور حبیب‌الله خان شیبانی و میرزا محمدعلی خان تربیت صرف کردم. مدتی با آقای تربیت راجع به اوضاع صحبت در میان بود. ایشان چنان که قبلاً نوشته‌ام مایل است برنامه‌ای برای آتیه در اینجا تنظیم شود و به‌طور کلی شاکی است که رفتار بعضی از آقایان مهاجرین در استانبول و در برلن مطابق میل و ذوق ایشان نبوده است. وضع فعلی و پیشامدهای امروزی موقع اشخاص را به‌طور کلی مشکل نموده، به خصوص موقعیت نگارنده اینجا با مأموریتی که از طرف ملیون و آزادیخواهان ایرانی داشته و دارم خیلی مشکل بوده و امروز هم می‌باشد.

اما هدف من

نگارنده هیچ زمان نخواسته‌ام که خود را متمایل به یک طرف و یا طرف دیگر بنمایم. اینجانب نه برای آلمان و نه برای عثمانی نظرهای خصوصی داشته‌ام ولی در این جریان که واقع شد پیوسته مایل بوده‌ام که بفهمم خیال

آلمان و یا نظریات عثمانی راجع به ایران چیست. آیا فی الحقیقه آنچه نمایندگان آلمان و عثمانی راجع به ایران و منافع حقّه ایران و استقلال ایران اظهار می‌دارند صحیح است یا خیر. حقیقتاً مایل به حفظ استقلال ایران می‌باشند؟ روابط آلمان و عثمانی راجع به ایران چیست؟ آیا قرارداد خصوصی راجع به ایران منعقد کرده‌اند یا خیر؟ برای اینجانب موقع خوبی بود که این مسائل را درک کنم و در ظاهر بیطرفی خودم را راجع به آلمان و عثمانی حفظ کرده باشم.

بعضی از آقایان آزادیخواهان با تمام قوا برای پیشرفت نظریات آلمان و یا عثمانی می‌کوشیدند و این سیاست را سفرای خارجه ایران در برلن و استانبول نمی‌پسندیدند و با آنها همراهی نداشتند. متأسفانه این اختلافات نظر میان آقایان ملیون و آزادیخواهان و روابط آنها با مأمورین ایران وجود داشت و هنوز هم وجود دارد. به‌طور اختصار اینجا نگاشته می‌شود که اینجانب بیطرفی خود را پیوسته حفظ [کرده‌ام] و ضمناً خدماتی را هم که در نظر داشته‌ام [برای حفظ استقلال و آزادی ایران به خصوص در آتیه و در پایان این جنگ تا آنجا که ممکن بوده [است] انجام داده‌ام. چنان که دو سال قبل از رفتن به استکهلم و عملیات آنجا مضایقه نکردم و هرچه از دستم برآمد راجع به تجاوزاتی که به ایران در گذشته شده بود و تقاضای ایرانیان برای حفظ استقلال خودشان انجام داده‌ام. هیچ زمان به خصوص برای حفظ نظریات شخصی حاضر به سازش با اشخاص نبوده‌ام] و امیدوارم در آتیه هم نباشم.

تا زمان بازگشت

آقای تربیت را قانع ساختم که عجالتاً نظریات خود را از طرح یک پروگرام صحیح برای آزادیخواهان و ملیون کنار گذاشته تا زمان برگشت به ایران و اجتماع در تهران و تطبیق موارد پروگرام با اوضاع جاری مملکت آن طور که شاید و باید به عمل آید.

این فکر انتشار یافته است که اگر دشمن یعنی متفقین شرایط سخت در این کنفرانس صلح پیشنهاد کنند حکومت فعلی آلمان [که] مرکب از سه دسته بزرگ سیاسی [است] نخواهد توانست آن شرایط سخت را بر عهده گیرد و استعفای خود را تقدیم خواهد نمود. در این صورت تشکیل حکومت تازه در آلمان کار آسانی نخواهد بود. آن وقت ملت آلمان به خصوص طبقات پایین که اکثریت ملت را تشکیل می دهند توجه خود را از غرب اروپا برگردانده به طرف شرق این قاره معطوف خواهند داشت. آلمان در هر دو صورت - [از] قبول کردن شرایط سخت متفقین و یا رفتن به سوی سیاست اشتراکی روسیه - فایده‌ای نخواهد برد و جز تحمل خرابی و بار سنگین بر روی شانه خود چیز دیگری نخواهد داشت. ولی اکثریت ملت آلمان که طبقات پایین را تشکیل می دهند حاضرند زودتر خود را تسلیم بلشویکی کنند تا به دست خود ریاست متفقین را بر عهده گیرند. در صورتی که استقرار حکومت اشتراکی در آلمان به طور یقین به غرب اروپا و حتی به امریکا هم بی اثر نخواهد بود و آن کشورها هم آلوده خواهند شد. بعضی از آلمانیها با عصبانیت اظهار می دارند: ما که در این دریا غرق می شویم بگذار دشمنان خودمان را هم با خود به قعر دریا ببریم. این عقیده را اگر هم اظهار نکنند شخص به خوبی از احساسات آنها استنباط صحت آن را می کند.

هیجان اقتصادی

اگر متفقین به چهارده ماده مستر ویلسن رئیس جمهور امریکا پیروی کرده انعقاد صلح خاتمه یابد و بساط جنگ به کلی برچیده شود احتمال داده می شود که اروپا از خرابی و شکست قطعی نجات یابد و آرامش جای اضطراب را بگیرد، والا این هیجان که امروز در میان ملت آلمان نیرو گرفته قطعاً آلمان را به طرف بلشویکی می کشاند و آتش انقلاب کارگران را بر

۱۸

بسط انقلاب اشتراکی و سختی وضع زندگی در اروپای مرکزی

بلشویکی شدن مجارستان

چهارشنبه ۱۹ تا یکشنبه ۲۲ مارس - از وقایع سیاسی این چند روزه تغییر حکومت در مجارستان و ملحق شدن آن کشور به حکومت بلشویکی روسیه، مهمترین واقعه به شمار می رود. فشار متفقین از یک طرف و پیشرفت انقلاب بلشویک در جنوب روسیه از طرف دیگر حزب اشتراکی مجارستان را تقویت نموده، حکومت سوسیالیستی آن کشور را مجبور به استعفا و برقراری حکومت بلشویکی را به جای آن ایجاب نموده است. از قرار اخباری که به تواتر می رسد بلشویکها در بالکان دست به عملیات زده روز به روز بر نیروی خود می افزایند. بلشویکی شدن مجارستان تا حدی اهمیت دارد. زیرا موقعیت این کشور برای مغرب اروپا هم بی اهمیت نیست. احتمال دارد عنقریب مجارستان بتواند همسایه‌های خود را به حکومت اشتراکی ملحق نماید.

آلمان و بلشویک

عقیده سیاسیون آلمان علی الظاهر بر این است و کم کم در مطبوعات هم

ضد سرمایه‌داران نه تنها در اروپا بلکه در تمام دنیای امروزی منبسط خواهد گردانید. علائم ناراحتی نیز از مدتی پیش بدین طرف در کشورهای متفقین ظاهر است و هر روز بر نیروی خود می‌افزاید. حالا دیگر این کشمکش صورت استبداد و دموکراسی سیاسی ندارد. این هیجان عمومی هیجان اقتصادی است برای زندگی. مقابله کارگر با کارفرما، مقابله کارگران با سرمایه‌داران می‌باشد.

حرف کارگران

دیرزمانی در ایام گذشته سرمایه‌دار با نفوذ استبداد بر طبقات پایین حکمروایی می‌کرد، دیرزمانی بعد از آن تاریخ سرمایه‌دار با موقعیت مطبوع تازه‌ای حکمفرمایی خود را بر طبقات پایین ادامه می‌داد و در حقیقت قسمت عمده‌ای از طبقات متوسط به طبقات بالاتر ملحق شده در این حکمروایی بر دسته‌های پایین شرکت داشته‌اند. امروز کارگران می‌گویند چرا باید میان طبقات یک ملت این گونه امتیازات موجود باشد؟ چرا باید سرمایه این قدر نیرو به خود گیرد و بدون نسبت تقسیم شود و در زیر دست یک سرمایه‌دار هزارها کارگر کار کنند، پیوسته عرق جبین بریزند و بر تمکن و تمول سرمایه‌دار بیفزایند. این فکر که در سر کارگران آمده آتشی است که از روسیه تزاری شروع شده است. آن کشور بزرگ که سالیان دراز در زیر فشار بار سنگین استبداد رنج می‌برد و یک عده‌ای از طبقات بالا که خود را مأمور رنج دادن به طبقات پایین می‌دانستند، در تمام آن کشور از کلیه وسائل آسایش استفاده می‌کردند و فشار به طبقات بیچاره پایین می‌آوردند، بالاخره به انقلاب اشتراکی منجر گردید و این آتش سراسر شرق اروپا را گرفته [است] و پیوسته به اطراف گسترده می‌شود. این آتش مانند خورشید [که] از طرف مشرق این قاره سر به در آورده [است] و به قول یکی از سیاسیون می‌بایستی مانند خورشید به طرف مغرب سیر کند.

شرایط آسانتر

این فکر است که امروز مردم آلمان را در ناراحتی نگه داشته: کارگران به کلی پیرو این موضوع گردیده [اند] که آیا بهتر نیست حکومت اشتراکی در آلمان مستقر و [جامعه] به دست آنها سپرده شود؟ طبقات دیگر هم اگرچه با این فکر مخالفند ولی سکوت اختیار کرده به صرفه خود می‌دانند که فکر اشتراکی عجالتاً بسط پیدا کند بلکه متفقین را متنبه گردانند [و آنها را] به تحمیل شرایط آسانتر و معتدلتری به آلمان وادار سازد.

کشتیهای آلمان

از قراری که زمزمه می‌شود عنقریب مجدداً تعطیل عمومی در آلمان شروع خواهد شد و مجدداً انقلابیون با حکومت فعلی به زور آزمایی خواهند پرداخت. احتمال دارد موقتاً حکومت فعلی دست از کار کشیده به فکر استعفا بیفتد. ملاحان آلمانی در هامبورگ مجمعی تشکیل داده علیه تسلیم کشتیهای تجارتي به متفقین اعتراض شدید کرده‌اند. بدین واسطه چند روزی تسلیم کشتیها را به نمایندگان متفقین به تعویق انداختند، ولی به واسطه اقدامات حکومت فعلی دست از این مقاومت برداشته [اند]. چند کشتی تسلیم مأمورین متفقین گردیده و فعلاً هم این موضوع در جریان است. کشتیها را تحویل مأمورین متفقین می‌دهند و در مقابل اغذیه و مواد اولیه تحویل می‌گیرند. اما چه فایده که با این مقدار قلیل رفع گرسنگی تمام ملت آلمان بدین زودی نمی‌گردد.

وضع حرکت ایرانیان

پنجشنبه ۲۰ مارس - بعد از ظهر با آقایان نواب و میرزا محمد علی خان کلوب و ماژور حبیب‌الله خان شیانی به گردش رفتیم. آقای نواب نامه‌ای از آقای ذکاءالدوله در جواب نامه خود راجع به مسافرت جمعی از ایرانیان به ایران دریافت کرده‌اند. آقای ذکاءالدوله در این نامه می‌نویسد

چون حرکت آقایان ایرانیان از ماریسی خواهد بود لازم است اجازه قبلی از دولت فرانسه در این خصوص گرفته شود. برای این مقصود باید اقدامات لازم در پاریس به عمل آید. اگر چنانچه به عبور از سویس اقدامی لازم باشد آقای ذکاءالدوله در انجامش حاضر می‌باشد. نامه دیگری آقای ذکاءالدوله به میرزا قاسم خان صور نوشته [است] و در این نامه می‌نویسد که آقای نظام‌السلطنه هنوز در استانبول متوقف می‌باشد ولی پسرشان سالار معظم به تهران حرکت کرده و عجالتاً در تهران است. آقای طباطبایی را هم در تهران ملاقات نموده است.

سندیکای امور اقتصادی ایران

از قراری که یکی از روزنامه‌جات سویس انتشار داده است سندیکایی در امریکا برای امور اقتصادی ایران به سرمایه یکصد میلیون دلار تشکیل شده و مأمور هم به تهران فرستاده است که در آنجا مشغول به کار شود. از قرار معلوم مستر شوستر که عملیات مالی او برای بهبود اوضاع اقتصادی ایران و مخالفت دولت تزاری با این عملیات در اوایل بر تخت نشستن احمدشاه تاریخ مهمی را در زمان مجلس دوم تشکیل داد و خود مستر شوستر در کتابی به نام *اختناق ایران* شرح داده [است]، در تشکیل این سندیکا شرکت دارد.

ارمنستان

از قرار خبری که در روزنامه‌جات انتشار یافته دولت عثمانی سرپرستی قسمت ارمنستان را به دولت امریکا واگذار خواهد نمود. در این صورت امریکا یک توجه بیشتری راجع به بهبود حال ایران خواهد داشت.

تقویم شمسی ایران

روز جمعه ۲۱ مارس - ساعت پنج و ۱۴ دقیقه بعد از ظهر به وقت برلن

تحويل سال صورت گرفت. به مناسبت تحويل سال و انجام مراسم عید نوروز جمعی از ایرانیان در برلن در یکی از مهمانخانه‌های برلن مجمعی منعقد نموده در ساعت معین گرد هم جمع شدند. یکی از رؤسای ملیون شرحی راجع به لزوم اصلاح و تغییر و تثبیت تقویم ایرانی نطقی ایراد کرد. تاریخ ایران به عقیده ایشان قبل از تاریخ جلالی ثابت نبود. همان‌طور که ماههای عربی در گردش است ماههای ایرانی نیز با همان تغییرات در گردش بوده. تقویم جلالی نوروز را ثابت [کرده] و به اول بهار بدون تغییر نگه داشته است. به عقیده ناطق ماههای قمری به ماههای شمسی باید مبدل گردد. مبدأ تاریخ همان تاریخ هجرت باشد ولی ماهها با شکل ثابت شمسی و تقسیمات صحیح برقرار شود. به طوری که فصول و به خصوص نوروز را به جای خود ثابت نگه دارد. سایرین هم در این زمینه قدری صحبت و لزوم ایجاد چنین تقویمی را تأیید کردند. پس از صرف چای و شیرینی عکسی هم از این مجمع گرفته شد. رویهمرفته خوش گذشت.

نادولنی و لیتن

روز شنبه ۲۲ - آقای نواب در سفارت پذیرایی بالنسبه مفصلی داشته جمعی از ایرانیان و عده‌ای از آلمانها هم حضور داشتند. آقایان نادولنی و کاردورف و لیتن از کارمندان مهم وزارت خارجه آلمان هم حضور داشتند. مسیو نادولنی در این حکومت فعلی به ریاست کابینه ریاست جمهوری آلمان برقرار شده است. لیتن به جمع‌آوری و انتشار کلیه قراردادهای و معاهدات ایران با کشورهای خارجه [مشغول] می‌باشد و می‌خواهد عنقریب این کتاب را منتشر نماید.

تحولات جهان

چه تحولاتی در دنیا صورت می‌گیرد؛ پارسال در روز عید نوروز بود که

حملات آلمانها در طرف فرانسه به سختی شروع شده [بود] و کارمندان وزارت خارجه آلمان در همین پذیراییهای نوروز شرح آن عملیات را می دادند که چگونه توبیهای آلمانی به هدف رسیده و متفقین را از مقاومت بی تاب کرده. پس از یک سال در این ایام نوروز وضع به کلی واژگون شده، آن آلمان دیگر از میان رفته و حالا کارمندان وزارت خارجه آلمان دست به دست مالیده از این وقایع تأسف و تأثر اظهار و امیدواری به آتیه می کنند. ولی چیزی که محرز است آلمانها نمی خواهند حیثیت خود را از دست بدهند. پیوسته با سینه باز و جبهه گشاده خود را متکی به مظفریت آتیه نشان می دهند. فن ویزندونگ از حوزه این مستخدمین وزارت خارجه که با ایران آشنایی دارند خارج [شد] و به نقد در سویس زندگی می کند و از قرار مسموع مشغول به تحصیل زبان فارسی می باشد.

هوای سرد

هوای برلن در این چند روزه چندان مطبوع نبود. اغلب سرد بود و برف می بارید. هوای خوش اواسط اسفند غفلتاً به هوای سخت زمستانی مبدل شده است. اروپاییان می گویند هوای اول سال نو بایستی سرد و یخبندان باشد و امسال در آلمان مصداق بسزایی پیدا کرده است.

آقای اعظم السلطنه عازم رفتن به لندن می باشد. روز یکشنبه به دیدن اینجانب آمد که روز دوشنبه حرکت کند. خیال دارند با آقای نواب با هم به هلند رفته، ایشان از آنجا به لندن [بروند] و آقای نواب به پاریس حرکت کنند.

مواد مهم صلح

یکشنبه ۲۳ تا دوشنبه آخر مارس ۱۹۱۹ - مشاوره سران کشورهای متفقین هنوز در پاریس ادامه دارد و معلوم نیست از چه موضوعاتی مذاکرات به

عمل می آوردند. ولی طبق آخرین خبر عنقریب مواد مهم صلح حاضر خواهد بود. در این مذاکرات مقدماتی آنچه محرز است تنها دول امریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا شرکت دارند و در حقیقت با در بسته هر روز مشاوره خود را ادامه می دهند تا نتیجه مذاکرات چه باشد. تا به حال دو کشتی تجارتي حامل آذوقه از امریکا وارد بنادر آلمان شده و نیز از هلند هم مختصر آذوقه و مواد اولیه وارد آلمان گردیده. ولی از این دو فقره آذوقه که به آلمانها رسیده هیچ اثری ظاهر نیست. در حقیقت ساعت به ساعت کار آذوقه و زندگی در آلمان امروزی سخت تر می شود. امروز گفته شد که بهای کره هر پوند آلمانی که در حقیقت یک چارک به وزن معمولی ما می شود به پنجاه مارک خرید و فروش می شود. قند هر پوندی تا ده مارک [رسید] و گوشت به کلی نایاب است.

نظر ویلسن یا لنین

انقلابات بلشویزم اخیراً پس از واقعه مجارستان به شدت خود افزوده [است] و به خصوص در جنوب روسیه پیوسته در افزایش نیرو می باشد. در رومانی هم گویا عنقریب حکومت بلشویکی برقرار شود. آلمانها از این افزایش نیروی انقلاب بلشویزم تا حدی استفاده می نمایند. بعضی از سیاسیون آلمانی علناً اظهار می دارند که اگر متفقین بخواهند تحمیلات سنگینی بر آلمان بنمایند و خسارات عمده مطالبه بنمایند به طوری که شیرازه حیات سیاسی و اقتصادی آلمان متزلزل گردد، بهتر و به نفع آلمان است که با روسیه بلشویکی متحد شده حکومت بلشویزم را در آلمان برقرار نماید. به عبارت دیگر دنیای آینده اروپا یا باید طبق نظریات ویلسن رئیس جمهور امریکا اداره شود یا طبق دستور لنین صورتی به خود گیرد. اگر فی الحقیقه متفقین رعایت نظریات ویلسن را ننمایند و تحمیلات زیادی به آلمان روا دارند و بخواهند نظریات فرانسه را راجع به تحمیلات

جنگی رعایت کنند تنها راهی که برای آلمان باز خواهد بود پیروی از لنین و استقرار حکومت بلشویکی در آلمان است.

مسائل آلمان

اما تا چه حد آلمانها حاضر به فداکاری خواهند بود معلوم نیست. در این که سرمایه‌داران آلمانی مانند قاطبه سرمایه‌داران با تمام قوا مخالف با استقرار حکومت بلشویزم می‌باشند جای شک و تردید نیست. ولی آیا امروز نیرو در دست سرمایه‌دار است؟ آیا سرمایه‌داران به قدر کافی قوت دارند که حکومت آلمان را در دست بگیرند؟ جای شک و تردید می‌باشد. نیرو امروز در دست کارگران است. هر زمان که حکومت و دولت فعلی موانع را از جلو بردارد آتش انقلاب فوراً زبانه می‌کشد و کارگران موفقیت خود را ابراز می‌دارند. آیا فی‌الحقیقه متفقین از این پیشامدها مطلع می‌باشند؟ آیا این پیشامدها را در مذاکرات خود تحت مذاقه قرار نمی‌دهند؟ آیا این کشورها از اوضاع داخلی خودشان مطمئن می‌باشند؟ آیا کارگران در این کشورها ثابت خواهند ماند؟ آیا کارگران در امریکا به کلی ساکت خواهند نشست؟ آتیۀ نزدیک جواب این سؤالات را خواهد داد.

فرانسه و لهستان

از قرار اخباری که به تواتر رسیده [است] فرانسویها سخت در تلاش برای به دست آوردن نظریات خود راجع به آتیۀ آلمان می‌باشند، در مذاکرات با سران متفقین در نظریات خود پایداری کرده [اند] و به علاوه در خارج هم بعضی اقدامات برای موفقیت نظریات خود می‌نمایند. من جمله با لهستانیها وارد مذاکره شده آنها را تشویق می‌کنند که بندر دانزیک را از آلمان مجزا و به لهستان واگذار کنند. یک دسته از قشون لهستانی که در

فرانسه تشکیل شده و تحت امر افسران فرانسوی است به طرف دانزیک سوق داده‌اند که بدین وسیله اهالی لهستان را بر ضد آلمان برانگیزانند و یک قطعه مهم از شمال شرقی آلمان را مجزا [کنند] و به لهستان احاله دهند. دولت آلمان بدیهی است علیه این نقشه‌ها ایستادگی خواهد کرد. تا حدی هم که شنیده می‌شود انگلیسیها چندان تمایلی در این چیزها با فرانسویان ندارند. انگلیسیها نمی‌خواهند آلمان در مقابل فرانسه ضعیف و زبون شده اعتدال نیرو در اروپا از میان برود. روی همین نظریات است که اختلاف نظر میان لوید جرج و کلمانسو روز به روز ظاهرتر می‌شود.

اعتدال قوا در اروپا

لوید جرج اصرار دارد که اعتدال قوا در اروپا برجا بماند، به طریقی که در دست یک ملت جمع نشود و دست انگلیس در آسیا و سایر جاهای دنیا برای بسط سیاست و بازرگانی باز باشد. به خوبی ظاهر شده است که انگلیس مانند همیشه ترقی خود را در بسط استعمار و توسعه تجارت می‌داند. اگر آلمان از میان برود و فرانسه تنها سیاستمدار و مبارز میدان سیاست اروپایی باشد و روس هم گرفتار انقلابات بلشویکی باشد، آن وقت انگلیس نخواهد توانست با خاطر جمع به سیاست دیرینه خود ادامه دهد. فرانسویها مایلند سیاست دوره لویی چهاردهم فرانسه و یا دوره فتح و فیروزی ناپلئون بناپارت را در اروپا تجدید کنند و این سیاست بدیهی است مخالف نظریات و منافع انگلیس و امریکا می‌باشد. این دو دولت سعی خواهند داشت نگذارند فرانسه در نظریات ذکر شده موفق گردد.

اخبار ایرانیان

آقایان نواب و اعظم‌السلطنه صبح دوشنبه ۲۴ از برلن به طرف هلند حرکت کردند. آقای نواب از هلند به پاریس می‌رود که در آنجا آقای وزیر

امور خارجه ایران و اعضای میسیون ایران [را] که از تهران برای شرکت غیرمستقیم در کنفرانس صلح پاریس آمده [اند] ملاقات و با آنها تبادل نظر کند و به علاوه تماس مستقیم با تهران بگیرد. مدتی است که دیگر از آلمان تماس مستقیم برای ایرانیان حتی برای سفارت ایران با تهران موجود نیست. آقای اعظم السلطنه به عزم رفتن به لندن حرکت کرد و خیال دارد یک ماه در آنجا برای ملاقات خواهرش که در آنجاست بماند و بعد به برلن مراجعت نماید. در همین روز دوشنبه ۲۴ آقای میرزا قاسم خان صور به طرف وینه حرکت کرد. مدتی در اینجا منتظر به دست آوردن جواز و فراهم کردن وسائل رفتن خود بود تا اینکه دیروز با موفقیت حرکت کرد. عجلتاً به وینه می رود. اگر جوازش برسد از آنجا به طرف استانبول و ایران حرکت خواهد کرد والا در آنجا می ماند تا آنکه اوضاع قدری روشن تر شده بتواند وسائل راحتی مسافرت خود را فراهم نماید.

مجلس ایرانیان

از رفتن آقایان ایرانیان دیگر خبر تازه ای نیست یعنی جواز آنها نرسیده است. امروز چند نفر از این آقایان مجلسی تشکیل داده [بودند] و در اطراف وضع زندگی خودشان در اینجا و آتیه نزدیک زندگی خودشان به صحبت و مذاکرات مفصل پرداختند. مجلس خالی از تأسف و تأثر نبود. این آقایان تمام به خیال ایران و زندگی خودشان می باشند. از بی تکلیفی و بیکاری و بی ترتیبی زندگی خودشان در اینجا شکایت دارند. در حقیقت بهترین ایام زندگی را در بدترین ساعات زندگی یک کشوری خارج از وطن گذراندن کار مشکلی است. به حق می گویند که از توقف امروز در آلمان هیچ نتیجه ای متصور نیست، آلمان دیگر هیچ کاری مستقیم یا غیرمستقیم برای ایران و سرنوشت کشور رنج دیده خودمان نمی تواند انجام دهد. دیروز هم نمی توانست.

امیدهای باطل

ولی ما به حق تصور می کردیم که اگر آلمان در این جنگ فاتح شود و متفقین به خصوص دولتین روس و انگلیس دو همسایه مهم ما که متأسفانه از دیرزمانی تا امروز مداخله در امور داخلی ما مخالف با استقلال کشور ایران داشته اند، مغلوب شوند جریان سیاست تازه به حال کشور ما مفید خواهد بود. دست روس و انگلیس تا حدی از ایران کوتاه خواهد شد و به جای آن سیاست تازه بالنسبه معتدل و دوستی برای کشور ما به جای آن سیاست دیرینه استوار خواهد گردید. ولی با تأثر برای آقایان ملیون و آزادیخواهان ایران نتیجه جنگ پس از قرب پنج سال نبرد و خونریزی و خرابی و برهم ریختگی این امید را که داشتیم از میان برداشت و دوباره ما را با همسایگان قوی سابق عبارت از انگلوساکسن و اسلاو دچار کرد. درست است روس امروزی با این انقلابات داخلی دست مستقیمی در امور سیاسی داخلی ایران ندارد ولی به طور قطع ملل اسلاو با بسط خاک و کثرت نفوس و موقعیت جغرافیایی که دارند پیوسته در سیاست همسایگان بالنسبه ضعیف خود [روشی] به نفع اسلاوها خواهند داشت و بدیهی است انگلیس پس از این جنگ و فقدان موانع نفوذ، قدرت بیشتری در تمام عالم به خصوص در کشورهای آسیایی که نسبت به آنان نظر مخصوصی دارد اعمال خواهد نمود.

به امید بازگشت

خلاصه تمام این آقایان متحدالقول خواهند که هر چه زودتر از این قید و بستگی و توقف در آلمان امروزی خلاصی یافته به ایران برگردند و آن قدر که بتوانند در تهران برای کشور خود خدمت کنند. زندگی آنان فی الحقیقه در برلن دیگر قابل تحمل نیست. گذران معاش روز به روز سخت تر می شود، مخارج هر آن زیادتر و نایابی بیشتر و تلف شدن عمر عملاً خود

به خود صورت می‌گیرد. هوا هم گویا مزید بر علت شده است. در این وقت سال که بایستی هوای بهار نمایان [باشد] و شادی و شغفی برای مردم ایجاد کند برعکس تمام وقت سرد زمستانی و یخبندان [است] و اغلب برف می‌بارد و تمام ایام عید درجهٔ هوا ۱۴-۱۵ درجه زیر صفر بوده است. چه خوش بود بهار در این ایام سخت شروع و هوای بهاری خود را جلوه‌گر می‌نمود.

هرج و مرج در آلمان

۱ آوریل تا ۱۳ آوریل - آناارشی و هرج و مرج و انقلابات در آلمان و تمرّد از حکومت فعلی در تزايد می‌باشد. اعتصاب در اغلب جاهای آلمان در جریان است، اخیراً باویر که قسمت عمده‌ای از آلمان را تشکیل می‌دهد از قسمتهای دیگر آلمان مجزا شده و حکومت اشتراکی در مونشن یا مونیخ پایتخت آن اعلام گردیده است. کشمکش و خونریزی در اغلب جاهای آلمان به خصوص در مراکز کار از قبیل دوسلدرف و درسدن در جریان است. از کنفرانس صلح پاریس هم خبر صحیح و قطعی نرسیده است. روزنامه‌جات خبرهای مختلف در این خصوص انتشار می‌دهند ولی آنچه صحیح و مسلم باشد هنوز نرسیده [است] و معلوم نیست. دوروزی خبرهای متواتر از اختلاف نظر میان ویلسن رئیس جمهور امریکا و کلمانسو نخست وزیر فرانسه می‌رسید ولی بعد گفته شد این اختلافات تا حدی رفع [شده است] و کار مذاکرات برای اخذ تصمیم قطعی جلو می‌رود. عجالتاً دنیا منتظر این تصمیم و نیل به صلح و آرامش می‌باشد.

نمایندگان آلمان

۱۳ تا ۲۲ آوریل - مذاکرات پاریس طبق آخرین خبر گویا به یک جایی رسیده، تصمیماتی راجع به آلمان گرفته شده است. رئیس‌الوزرای فرانسه در روز شانزدهم آوریل از آلمان درخواست کرد نماینده‌ای به پاریس

اعزام کند تا تصمیمات کنفرانس متفقین به او تسلیم شود. دولت آلمان بی‌درنگ نماینده‌ای برای دریافت این تصمیمات به پاریس اعزام کرد. رئیس‌الوزرای فرانسه طبق تقاضایی در ۲۱ این ماه تجدید درخواستی نمود که دولت آلمان می‌بایستی میسیون رسمی به پاریس اعزام داشته دارای اختیارات تام [باشد] که تصمیمات کنفرانس به آنان تسلیم شود. در جواب این تقاضا دولت آلمان میسیون را که قبلاً در نظر گرفته بود به سمت نمایندگی معرفی کرد. [آلمان] اظهار می‌دارد این میسیون با اختیارات لازم به پاریس اعزام می‌شوند به شرط آنکه در آنجا در حرکت و مخابرات تلگرافی و تلفنی با دولت خود آزادی داشته باشند. میسیون نامبرده در شرف حرکت است و عنقریب اخبار مهم راجع به تصمیمات نامبرده انتشار خواهد داد.

مصر و هندوستان

از طرف شرق اخبار مهمی این چند روزه به دست نیامده. در روسیه هنوز انقلابات در جریان است و به خصوص در طرف جنوب این کشور نیروی انقلاب پیوسته بر موقعیت خود می‌افزاید. در مصر و هندوستان جنبش ملی نمایان شده و از قرار اخبار رسیده بلوا در آنجاها صورت گرفته [است] و عده‌ای تلف شده‌اند.

آقای نواب روز بیست و پنجم آوریل از پاریس مراجعت کرد و با میسیون ایران مأمور پاریس به طور دلخواه تماس داشته‌اند. ایشان اوراق ذیل را که با خود آورده‌اند به اینجانب برای ثبت در این یادداشتها واگذار کردند:

رسالهٔ اول

۱- درخواست ایران از کنفرانس صلح به امضای آقای مشاورالممالک وزیر امور خارجهٔ ایران:

Revendications de la Perse devant la Conférence des préliminaires de Paix à Paris. [Paris, Mars 1919]

به زبان فرانسه، جلد سبز، نیم ورق کوچک، هجده صفحه چاپی در سه قسمت: اول، تقاضاها راجع به استقلال سیاسی و قضایی و اقتصادی ایران. دوم استرداد اراضی که قبلاً غصب شده به کشور ایران. سوم پرداختن خساراتی که به ایران وارد آورده‌اند.

در مقدمه شرحی از تاریخ تعدیات و تجاوزات روس تزاری و تزییقات سیاسی که از ۱۹۰۷ به این طرف به ایران وارد آورده‌اند ذکر می‌نماید. سپس تجاوزات قضایی و تزییقات اقتصادی که از زمان عهدنامه ترکمانچای تا امروز دولت روس تزاری برای کشور بیچاره ایران فراهم آورده و در حقیقت بسط و ترقی و توسعه و آزادی ایران را غیرممکن ساخته است. لذا دولت ایران تقاضا دارد:

اولاً برطرف شدن قرارداد روس و انگلیس ۱۹۰۷ میلادی.

ثانیاً برطرف شدن مراسلات و تقاضاهای رسمی دولتین روس و انگلیس در ۱۹۱۰ راجع به واگذاری امتیازات سیاسی و استراتژیکی کشور ایران به کشورهای خارجی.

ثالثاً نقض و برطرف شدن اولتیماتوم روس در ۱۹۱۱ راجع به استخدام مستخدمین خارجی کشور ایران.

رابعاً عدم دخالت خارجه در ایران و پناه دادن خارجه به اتباع ایران در ایران.

خامساً عدم مداخله خارجی در امور داخلی ایران.

سادساً تساوی اتباع خارجی و داخلی در پرداخت مالیات در ایران. سابعاً خارج شدن قشون خارجی و گارد قنسولخانه‌ها و سفارتخانه‌های خارجی از ایران.

ثامناً منتفی شدن کلیه عهدنامه‌های ایران با کشورهای خارجی که منافی استقلال سیاسی و اقتصادی و قضایی ایران است.

تاسماً نقض کلیه امتیازاتی که به خارجه منافی منافع اقتصادی ایران است.

عاشراً اختیار تام ایران در جرح و تعدیل تعرفه گمرکی و آزادی ایران در امور بازرگانی با دول خارجی.

یازدهم استرداد اراضی که از ایران در حدود سواحل دریای خزر به تصرف دول خارجی درآمده.

دوازدهم استرداد کلیه اراضی مغصوبه در شمال ایران در بادکوبه و شیروان و در بند و شکی و غیره.

سیزدهم استرداد اراضی در حدود کردستان.

چهاردهم استرداد حقوق مذهبی ایران در مقابر مطهره کربلا و کاظمین و سامره و غیره.

پانزدهم ترمیم خسارات که به دولت ایران وارد شده؛ از طرف دولت روس، از طرف دولت عثمانی، از طرف دولت آلمان. پرداخت خسارات وارده از طرف روس قسمتی به توسط استقراضات ایران از روس و اموال دولتی روس که فعلاً در ایران است پرداخته شود.

رساله دوم

۲- تقاضای ایران برای عضویت در کنفرانس صلح به امضای آقای مشاورالممالک وزیر خارجه ایران:

Requête adressée par le Gouvernement Persan à la Conférence des Préliminaires de Paix à Paris afin d'être admis à y participer. [Paris, Février 1919]

جلد سبز نیم ورقی کوچک در چهار صفحه. در این تقاضانامه که به زبان فرانسه نوشته شده وزیر امور خارجه ایران از طرف دولت ایران اظهار می‌دارد که چون دولت ایران در حفظ بیطرفی خود کوشا و متمایل به

متفقین بوده و متأسفانه بیطرفی آن از طرف دول داخل در این جنگ جهانی رعایت نشده و خسارات و تلفات عمده بدان وارد شده و در حفظ استقلال و شخصیت سیاسی آن هیچ گونه رعایتی به عمل نیامده، و نظر به اینکه ایران حتی راجع به جنگ تحت‌البحری و خسارتی که از این راه به کشتیهای تجارتی متفقین و بارهای آنها که برای زندگانی عمومی دنیا فواید حیاتی داشته به دولت آلمان اعتراض کرده است، تقاضا می‌نماید نمایندگان ایران در مذاکرات کنفرانس صلح شرکت نموده، حفظ کامل استقلال ایران به جا آید و خسارات وارده بر ایران ترمیم شود.

اعلامیه ایرانیان مصر

۳- اعلامیه ایرانیان مصر خطاب به کنفرانس صلح پاریس: جلد سبز، ورق کوچک در دوازده صفحه به زبان فرانسه.

Appelle du peuple Persan à la Conférence de Paris et à la conscience du monde civilisé

ایرانیان متوقف مصر از میان خود چند نفر را از طبقات مختلف منتخب کرده [اند] و آنان پس از مذاکرات لازم به امضای خود این اعلامیه را خطاب به کنفرانس صلح پاریس و متکی به وجدان دنیای متمدن اشاعه داده‌اند. در این اعلامیه شرح مبسوطی راجع به تاریخ اخیر ایران و مصائب و تجاوزاتی [را] که به خصوص از طرف روس و عثمانی به ایران وارد شده است ذکر نموده و مخصوصاً به دولت عثمانی حمله سخت کرده و از آن انتقاد می‌کنند. در پایان مقدمه از کنفرانس صلح تقاضای استرداد کلیه حقوق سیاسی و اقتصادی و خاکی ایران را می‌کنند و اظهار می‌دارند که ایران باستانی می‌بایستی بر روی اساس استقلال کامل ثابت و برجا بماند و اگر استقلال ایران حفظ شود و بدین کشور از طرف دول قوی همسایه و غیره تجاوزی به حقوق آن نشود، محقق اساس صلح و آرامش

عالم بر جا خواهد ماند. چه خوش می‌بود که دول قوی کشورهای بزرگ دست از حرص و طمع خود برداشته تجاوزاتی نسبت به کشورها و ملل ضعیف نمی‌کردند و استقلال آنان را محفوظ می‌داشتند تا صلح و آرامش دنیا برجا بماند.

رساله پرنس ارفع الدوله

۴- کتابچه‌ای متضمن مراسلات پرنس ارفع الدوله با یک نفر افسر امریکایی. پرنس ارفع الدوله در این مراسلات از فقر و فاقه در ایران شکایت می‌کند و واضح می‌نماید که ایران بر اثر تجاوزات خارجی و بر اثر جلوگیری‌هایی که از او در شاهراه ترقی بجا آمد و از اصلاحات داخلی بازمانده و به نیازمندیهای فعلی گرفتار گردیده [است]. چه خوش می‌بود که امریکا با این بسط و ترقی که در شاهراه تمدن و تمکن احراز نموده و به حق، هیچ‌گونه غرض سوئی [نسبت] به ممالک عقب مانده به خصوص کشوری باستانی مانند ایران که یادگار محسوسی از تمدن قدیم می‌باشد [ندارد] کمکی بسزا نموده و هر قدر که مقدور باشد [کمک] برای بینوایان ایران در امریکا جمع شود. از قرار معلوم این تقاضاها بی‌اثر نمانده تا به حال متجاوز از چهار میلیون دلار برای بینوایان ایران فرستاده شده است. قرائت این مراسلات روی هم رفته برای جلب احساسات اعضای کنفرانس بی‌ثمر نیست و امید تهییج احساسات خیرخواهانه آنها را دارم.

مقاله ذکاء الملک

۵- مقاله‌ای با انشای بسیار ساده و معتدل به قلم آقای ذکاء الملک راجع به ایران که در مجله فرانسوی به نام «صلح ملل» La paix des peuples طبع شده و اینک برای ملاحظه اعضای کنفرانس و جلب احساسات خیرخواهانه آنان به طریق رساله طبع شده است: